



شرفیف سائل

الشیخ علیہ السلام

مہلت کی

حضرت

ویرگی ہائی

نگاہی بہ کتاب
الخصائص المہلتیہ
آیت اللہ میرزا
محمد باقر فقیہ ایچی

ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام

نگاهی گذرا به کتاب

«الخصائص المهدیه»

آیه الله میزرا محمد باقر فقیه ایمانی رحمته الله

شریف ، سائل

ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام

نویسنده:	شریف سائل
ناشر:	عطر عترة
چاپخانه:	امیران
تیراژ:	۷۰۰۰
قطع:	رقعی
چاپ دوم:	پائیز ۱۳۸۲ - شعبان ۱۴۲۴
شابک:	۹۶۴-۷۹۴۱-۰۱-۳

قیمت: ۴۰۰ تومان

تقدیم به قلب پر از محبت و چشمان پر از انتظار

مادر شهیدانش حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها

و همه اجداد پاک و مطهر آن عزیز غائب از نظر و یار در سفر

به امید ظهور منتقم آل محمد علیهم السلام.

**اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ
 عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ،
 وَلِيًّا وَخَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّى
 تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.**

فهرست

۷	پیش سخن: صفحه
۱۱	ویژگی اول: ستاره درخشنده عالم نور
۱۵	ویژگی دوم: ستاره‌های از دل خورشید و ماه
۱۷	ویژگی سوم: شاهزاده‌ای بر بال پرنده
۱۹	ویژگی چهارم: ألقاب مختصه
۲۱	ویژگی پنجم: نشان پنهان
۲۳	ویژگی ششم: هم نام و هم کنیه پیامبر ﷺ
۲۵	ویژگی هفتم: میلادی پر برکت، مولودی سعادت بخش
۲۷	ویژگی هشتم: بیت الحمد، چراغ فروزان
۲۹	ویژگی نهم: علامتی بر پشت!؟
۳۱	ویژگی دهم: آخرین اوصیاء و ختم وصایت
۳۳	ویژگی یازدهم: همدم با نیکویان کامل
۳۵	ویژگی دوازدهم: در قلمرو فرمان هیچ کس نیست
۳۷	ویژگی سیزدهم: جوانی بعد از سال‌های طولانی!
۴۹	ویژگی چهاردهم: سلطنت بر پهنای گیتی
۴۱	ویژگی پانزدهم: حکم داودی
۴۳	ویژگی شانزدهم: زرهی یادگار بر قامتی استوار
۴۵	ویژگی هفدهم: ملاقات زندگان و مردگان
۴۷	ویژگی هجدهم: زاد و توشه راهیان و آذوقه هم راهیان

- ویژگی نوزدهم: زینت شمشیرهای آسمانی ۴۹
- ویژگی بیستم: رایت با مهابت رسول الله صلی الله علیه و آله ۵۱
- ویژگی بیست و یکم: سفر بر پشت ابراهیم ۵۳
- ویژگی بیست و دوم: فریاد آسمانی ۵۵
- ویژگی بیست و سوم: ابلیس در کام مرگ ۵۷
- ویژگی بیست و چهارم: پیدایش گنج‌های پنهان ۶۱
- ویژگی بیست و پنجم: یاران ملکوتی و بیعت سید آسمانیان ۶۳
- ویژگی بیست و ششم: برکات زمین، قطرات آسمان ۶۵
- ویژگی بیست و هفتم: دوران امن و امان ۶۷
- ویژگی بیست و هشتم: دست نازنین بر سر مؤمنین ۶۹
- ویژگی بیست و نهم: گسترش و توسعه علم ۷۱
- ویژگی سی‌ام: قوت گوش‌ها، قدرت چشمان ۷۵
- ویژگی سی و یکم: عمرهای طویل ۷۷
- ویژگی سی و دوم: آفتاب سایه نشین ۷۹
- ویژگی سی و سوم: فرود عیسی برای پرواز ۸۱
- ویژگی سی و چهارم: ابر سفید ۸۳
- ویژگی سی و پنجم: کشتن دجال، خاموشی آتش فتنه ۸۵
- ویژگی سی و ششم: کم شدن سیر چرخ، افتادن افلاک از سرعت ۸۷
- ویژگی سی و هفتم: دینی جدید و آئینی نو پیدا! ۸۹
- ویژگی سی و هشتم: رجعت، روزگار بازگشت ائمه علیهم السلام ۹۳
- ویژگی سی و نهم: نشانه‌های نور ۹۵
- ویژگی چهارم: سلطنت سلطان عصر علیه السلام، شهر و دیار او ۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ، وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

پیش سخن

از پشت پنجره این نوشتار، شمیم انتظار و عطر یاد وارث ذوالفقار بر
مشام جان می‌رسد. در سایه بلندای واژه‌های در هم پیچیده‌اش گفتگوی
غریبی سفر کرده است. آن آرزوی روزگاران و صبح امید چشم انتظاران.
صدای آبشار سرد و گوارای معانیش، تداعی نوای غربت غیبت دارد.
آری این جا سخن از ویژگی‌های یار در محبس و یادی از گل
نرجس است.

آن چه در پیش روی دارید، شعاعی از چشمه بی انتهای خورشید و
پرتوی تابناک از «نور السموات و الأرض» است.

در گذشته‌ای نه چندان دور، عاشقی پر سوخته از آتش هجران و
بلبلی در وصف یار، نغمه خوان بر فراز شاخسار روایات اهل بیت علیهم السلام
به گلچینی از شکوفه‌های ویژگی‌های حضرت بقیة الله معجل الله تعالی فرجه
پرداخته و از طبع روان خویش قصری از اشعار ساخته که هر قطعه از

ویژگی های حضرت مهدی عج

این ساختمان شعر را یک خصیصه و ویژگی از عزیز زهرا علیها السلام تشکیل می دهد.

آری، حضرت آیت الله شیخ محمد باقر فقیه ایمانی رحمه الله را کتابی است به نام «الخصائص المهدیه» که در آسمان صفحات آن چهل ستاره از درخشنده ترین کواکب و ویژگی های آن حضرت را به ترتیب از قبل از میلاد مبارک آن سرور تا گسترش نور در زمان حضور و ظهور، از گلزار سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام گلچین و به ریسمان نظم کشیده.

و اینک این کتاب شرحی کوتاه و گویاست بر آن ابیات و نظری است مختصر بر این روایات. امید است گامی باشد در راه معرفی بیشتر آن نور الهی و پرنده بلند پرواز همایی و پیشوای منتظران روزگار رهایی انشاء الله. اگر از روزنه دقت به آیات قرآنی و روایات نورانی آل رسول علیهم السلام بنگریم، خواهیم یافت که هر کدام از این خاندان طاهرین را ویژگی ها و خصوصیات است که یا منحصر بفرد بوده یا بسیار نظیر آن در دیگران کم و اندک است.

مثلاً از ویژگی های حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آن است که حضرتش ختم همه انبیاءند و بعد از ایشان پیامبر نخواهد آمد.

و از خصوصیات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن است که لقب «امیرالمؤمنین» مختص به آن ذات مقدس است و گفتن این لقب برای هیچ کس دیگر جایز نیست.

و از ویژگی های حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها این است که آن حضرت از تمام آلودگی هایی که زنان دچار آن هستند پاک و مطهر بودند و...

و از خصائص حضرت سید الشهداء علیه السلام این است که خوردن کمی از

خاک قبر مطهرشان به قصد شفا جایز است و تربت مقدسش شفای از دردهاست، و دعا در زیر قبّه مبارکه او مستجاب است و رفت و آمد و توقف زائرین نزد قبر مطهر او از عمر آنان حساب نمی‌شود.

البته بعضی از این ویژگی‌ها در وجود مقدس آنان حالت انحصار به فرد دارد، ولی بعض دیگر بخاطر این بوده که شرایط زمانه و مکان آن معصوم علیه السلام چنین اقتضاء می‌کرده که این خصلت‌ها از آن بزرگوار به مرحله بروز و ظهور برسد، وگرنه همه آن پاکان، نور واحدند و منبع خیر و برکات و کمالات.

و آن چه در این نوشتار بر صفحات کاغذ ترسیم می‌شود، تنها نمونه‌ای مجمل از ویژگی‌های حضرت مهدی آل محمد علیهم السلام است که برای عموم مؤمنین خصوصاً جوانان نگاشته شده، و به بحث‌های آن از روزنه دقت و ژرف نگری و تحقیق عمیق، نظر نشده، و انشاء الله اگر فیوضات ربّانی یاری فرماید و به امضای مبارک آن حضرت برسد، بر آنیم تا در آینده کتابی مفصل در جوانب ویژگی‌های آن عزیز زهرا به رشته تحریر در آوریم، تا برای اهل دانش و فضل نیز محل استفاده و بهره برداری بیشتر باشد انشاء الله الرحمان.

و اما این کتاب در چهل مقاله مجزاً به بعضی از ویژگی‌های امام عصر علیه السلام از دریچه روایات پیشوایان دین علیهم السلام نگاهی گذرا و کوتاه دارد. تا شاید علاماتی را بر سر راه خوانندگان عزیز قرار دهد، تا به آن علامت‌ها به سوی کوی ولایت آن حجّت بزرگ الهی بیشتر رهنمون شوند، چرا که از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله چنین روایت شده:

« مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ. »^(۱)

« هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت

(وکفر) از دنیا رفته است. »

و منظور از معرفت و شناخت امام زمان، تنها دانستن نام و نام پدر و حسب و نسب او نیست، زیرا بعضی از کفار و دشمنان او نیز به این مقدار او را می شناسند. بلکه این است که او را امام بدانند و اطاعت او را بر خود واجب شمارد و به ولایت او اعتراف و اقرار داشته باشد.

و این نوشتار اگر چه در این باره نگاشته نشده، اما می تواند با فصل های متعددی که دارد فصل جدیدی از شناخت و معرفت آن حضرت و اوضاع و احوال اطراف او را بر روی خوانندگان باز نماید و سنگ نشانی است که ره گم نشود، و سکوی پرشی است برای آنان که می خواهند تا اوج قلّه های معرفت بالا رفته و در سایه امن ولایت و دژ محکم امامت بیسایند.

شاهها مرا به مدح تو لطف شد دلیل ورنه چگونه مور ز دریا گذر زند
ما را زبان به وصف تو قاصر بود ولی گنجشک، قدر همت خود بال و پر زند

سرزمین مقدس قم و در سایه بلند پایه کریمه
اهل بیت شفیعه محشر حضرت فاطمه معصومه

بنت موسی بن جعفر علیها السلام

سائل

۱- بحار الانوار ج ۲۳ «باب وجوب معرفة الامام» ص ۸۹ حدیث ۳۵ و از کتب اهل سنت: شرح مقاصد تفتازانی، ج ۵ ص ۲۳۹، «الفصل الرابع فی الإمامة» منشورات شریف رضی.

لنوره فی عالم الأشباه و عالم الأنوار و الأرواح

«۱»

ستاره درخشنده عالم نور

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«... وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ فِي وَسْطِهِمْ، فَقُلْتُ: يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: هَؤُلَاءِ الْأُمَّةُ، وَ هَذَا الْقَائِمُ يَحِلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي، وَ يَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي، يَا مُحَمَّدَا أَخْبِيهِ فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَ أُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ.»^(۱)

«... و حجت قائم در میانه آنان مانند ستاره درخشانی بود، گفتم: پروردگارا! اینان کیستند؟ فرمود: اینان ائمه (دین) اند، و این نیز قائم علیه السلام است، حلال مرا حلال داند و حرامم را حرام شمارد، و از دشمنانم انتقام گیرد. ای محمد! دوستش بدار، که من او را دوست دارم و دوستدارانش را دوست دارم.»

شب معراج است و لیلۃ الأسری، خلوت حبیب است و محبوب و گفتگوی حضرت محمد است با خدای محمود، صحبت از سرّی است که باید در لیلۃ اسرار بیان شود. خطاب از مصدر ذوالجلال رسید:

یا محمد! چه کسی را جانشین خویش در امت قرار دادی و خود به

۱- بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۲۲۳ حدیث ۲۱.

وعده گاه وصل ما آمدی؟

:برادرم را.

:ای محمد! علی بن ابیطالب را؟

:آری، پروردگار من.

گویا این مجلس مابین خالق یکتا و سید انبیاء، حاوی بزرگترین اسرار و عظیم‌ترین اخبار است.

آری صحبت از روشن شدن سرنوشت هدایت بشر تا قیامت است.

گفتگوی علی است در ملکوت اعلیٰ...

و بدین وسیله خداوند متعال برگزیدگان خلق و ائمه هدی را یک یک

به حیب خویش معرفی می‌نماید و اهمیت و نقش آنان را چنین بر

می‌شمرد:

«ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگانم آن قدر مرا عبادت نماید که از

شدت و کثرت آن بمیرد، ولی در حالی به لقای من برسد که

منکر ولایت آنان باشد، او را به آتش خویش داخل خواهم کرد.»

گویا مجلس، فراتر از گفتگوست. چرا که صحبت از شهود و دیدار

است.

:ای محمد! می‌خواهی ائمه را ببینی؟

:آری.

:گامی پیش آی و نظر کن.^(۱)

پس انوار ائمه هدی علیهم السلام را مشاهده فرمود و یکایک آنان را

۱ - در بعض روایات آمده: به سمت راست عرش نظر کن.

بالعیان دید.

بهتر است آخر ماجرا را از زبان مبارک بیان شاهد شب اُسری صلی الله علیه

وآله بشنویم:

«حجت قائم را دیدم که در وسط آن بزرگواران مانند ستاره‌های

درخشنده است^(۱). عرض کردم: پروردگارا! اینان کیستند؟

فرمود: اینان ائمه‌اند و این نیز قائم است که حرام مرا حرام

بدارد و حلالم را حلال شمارد و از دشمنانم انتقام کشد.

ای محمد! او را دوست بدار که من او را دوست دارم و

دوستداران او را دوست دارم.»^(۲)

آری در عالم انوار نیز قائمش خوانده‌اند و او تنها کسی است که

قیامش منتهی به گسترش عدل و داد در سراسر گیتی شود.

فقیه فقید، فقیه ایمانی رحمه الله گوید:

این که حضرتش در عالم انوار در وسط آن عترت اطهار بوده به مثل،

۱- در بعضی روایت آمده که در وسط آنان قیام نموده به نماز ایستاده و مانند ستاره‌ای می درخشید.

۲- در روایتی آمده که خداوند تبارک و تعالی انوار اهل بیت علیهم السلام را به حضرت آدم علیه السلام نشان داد، آخرین نور از آن انوار پاک که در میان آنها مانند ستاره صبح می درخشید، نور وجود مقدس حضرت بقیه الله علیه السلام بود، آن گاه خداوند تبارک و تعالی فرمود:

«وبعدی هذا السعيد افك عن عبادي الأغلال، وأوضع عنهم الاصار، وأملا الأرض حناناً ورفقةً وعدلاً
كما ملئت من قبله قسوةً وشفوةً وجوراً»

«توسط این بنده سعادت مند غل‌ها و زنجیرها را از پای بندگانم باز می‌کنم، و بارهای سنگین بدبختی را از دوش ایشان بر می‌دارم، و زمین را از مهر و محبت و لطف و عدالت پر می‌کنم، همان گونه که پیش از آن از سنگدلی و شقاوت و ستم پر شده باشد.»

بحار الانوار: ج ۲۶ ص ۳۱۲.

مانند نقطه‌ای است در وسط دایره که نقاط دور آن، همه با او در ارتباط اند، و شاید این اشاره‌ای باشد به این که آن نور الهی نمونه‌ای از آن انوار مطهر، و عصاره‌ای است از آن عترت اطهر، که تمام صفات نیکو و کمالات آن ذوات مقدسه در وجود مسعود این عزیزِ آخرین رسول خدا صلی الله علیه و آله تجلی کرده، و او آینه تمام‌نمای سیمای پاک ائمه هدی و یکتا حجت بالغه خداست.

خوشا دوستداران و پرسه زنان در باغ محبتش که محبوب خدایند.

﴿ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ﴾^(۱)

خصیمة أُخرى له فى النسب شرافة كانت بأب

«۲»

ستاره‌ای از دل خورشید و ماه

نظر امیرالمؤمنین علیؑ إلى الحسینؑ فقال:

«إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَيِّدًا، وَ سَيَخْرُجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ، يُشْبِهُهُ فِي الْخُلُقِ وَالْخُلُقِ.»^(۱)

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نظری به جناب امام حسین علیه السلام انداخته فرمودند:

« این پسر من سید (و آقا)ست چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله او را سید (آقا) نامیدند و بزودی خداوند از نسل او مردی به نام پیامبرتان بیرون خواهد آورد که در خلقت و اخلاق شباهت به آن حضرت خواهد داشت.»

آخرین یادگار و نازنین نگار فاطمه سلام الله علیها را شرافتی در حسب و نسب هست که احدی دارای آن نیست.

چرا که لباس شرافتی که یکایک پدران و اجداد پاک او علیهم السلام در نسب، تک به تک دارند، او همه را یک جابر تن دارد. از جهت پدری سیزده معصوم مطهر در سلسله آباء و اجداد اویند.

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۹ حدیث ۱۹، باب صفاته و علامات و نسبه ﷺ.

خود، معصوم و از نسل بلا واسطه سیزده معصوم است.
 و از جهت مادر شاهزاده و پیغمبر زاده. چرا که مادر مطهرش آن ملکه
 مُلک قدس و عزت، بانوی عصمت و عفت حضرت نرجس سلام الله علیها
 دختر یشوعای فرزند قیصر روم اند. و این بانوی مطهر از جهت مادری از
 شمعون بن حمون بن الصفا وصی حضرت مسیح عیسی بن مریم علیهما السلام
 می باشند که نسب آن بزرگوار هم به بسیاری از انبیاء و اوصیاء
 منتهی می شود. (۱)

آری پدرانش همه خورشید و مادران همه ماه، نیست بالاتر از
 شرافت شاه.

و آن شجره طیبه را این گونه ثمره درخشانی باید و آن سرزمین
 مقدس پاک را این چنین گلی.

﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِأَذْنِ رَبِّهِ﴾ (۲)

۱- منتهی الامال ج ۲ ص ۷۳۶، فصل دوم در ذکر جمله ای از خصائص حضرت صاحب الزمان.

۲- سوره اعراف: ۵۸.

تودیعه للروح إذ تولداً و کونه إلى السماء مصقداً

(۳)

شاهزاده‌ای بر بال پرنده

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام:

« اخیله و اخیظه و رده ائینا فی کلّ أربعین یوماً. »^(۱)

« او را سوار کن و محافظت نما و هر چهل روز یکبار به سوی ما

بازگردان.»

شگفتا! چگونه مولودی است این ماه پاره، لحظه‌ای افتاده بر فرش خاک مناجات کنان، و ساعتی دیگر در عرش افلاک با قدسیان، دمی در دامان پدر با او در صحبت و راز و زمانی در پرده سرای عرش با معبود در راز و نیاز.

چون قنداقه مطهرش را به دست پدر دادند، پرنده‌ای عظیم با دسته‌ای از پرندگان بالای سرش پرپر می‌زدند، امام عسکری علیه السلام او را صدا زدند و فرمودند:

« این طفل را بر پشت خویش سوار کن و حافظ او باش و هر چهل روز یکبار او را به ما برگردان.»

پرنده او را گرفت و پرکشید و به دنبالش گروه پرندگان به

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳ حدیث ۱۴.

پرواز در آمدند.

امام علیه السلام فرمود: «تو را به کسی سپردم که مادر موسی فرزندش را به او سپرد.

پس بر بال ملائک می رفت و دل مادر را به دنبال خویش می کشید. دل به دنبال او می رفت و مادر از دنبال دل، اما پای جسم را یارای هم راهی پای دل نیست. به گریه افتاد.

صدای شیرین شویش بلند شد: «ساکت باش، او از پستان کسی جز تو شیر نخواهد خورد، و خداوند چنانچه موسی را به دامن مادر باز گرداند و چشم او را روشن کرد او را نیز به دامن تو برخواهد گرداند.»

عمّه پرسید: این پرنده کیست؟

فرمود: «او روح القدس است که موکل بر امامان است آنان را موفق می کند و تسدید می نماید و به علم پرورششان می دهد.»

پرنده پرکشید و تا سر پرده عرش او را سیر داد تا در پیشگاه خداوندگار مژگون ایستاد پس خطابی رسید و او را به مدالی جاودانه مفتخر کرد:

«آفرین بر تو ای بنده من (و ذخیره) برای یاری دینم، آشکار شدن امرم، و هدایت شده بندگانم! قسم خورده ام که بواسطه تو بگیرم و اعطا کنم و به وسیله تو ببخشم و عذاب نمایم.»

پس فرمود: او را به نیکویی به سوی پدر برگردانید و این پیغام را به او ابلاغ نمایید که او در ضمانت و حفظ و حراست من و در زیر نظرم خواهد بود، تا حق را بوسیله او احقاق کنم، و باطل را نابود سازم تا این که دین خالص از برای من باشد....

تسمية الله له باللَّقب
في كل ما أنزله من كتب

«۴»

القاب مختصه

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام:

«وَأَخْرَهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، صَاحِبُ الزَّمَانِ
وَخَلِيفَةُ الرَّحْمَانِ»^(۱)

«و آخرین آنها، قیام کننده به حق، باقی مانده خداوند در زمین
و صاحب الزمان و جانشین خدای رحمان است.»

حضرت حجت بن الحسن علیه السلام را القاب متعدد و بسیاری است که
بیش از چهارصد تای آن از فراز شاخسار ادعیه و زیارات برگرفته و جمع
آوری شده است.^(۲) بعضی از این لقبها القابی است که خداوند متعال او
را به این لقب، معرفی فرموده است، مانند لقب پاک «قائم» که از احادیث
معراج چنین استفاده می شود که خداوند آن حضرت را به این لقب به
جناب رسول الله صلی الله علیه و آله نشان داد.

حجة الله، منتظر، بقية الله، صاحب الأمر، مهدی، المنتقم، ربّ الارض، قسط،

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۵ حدیث ۱۲.

۲- مرحوم آیه الله فقیه ایمانی در کتاب «فوز اکبر» تعداد ۳۱۳ لقب از القاب آن حضرت را به رشته
نظم در آورده است.

کمال، وارث، ضیاء، طرید، ماء معین، نائر، الداعی، خلیفة الله، خاتم الائمة، خاتم الاوصیاء، کلمة الحق، عین الله، صاحب الغیبة، ولی الله، إمام، المأمون، مفرّج، البد الامین، الشرید، قاطع، خازن، عاقبة الدار، کاشف الغطاء.

اینها از جمله القاب شریف آن حضرت است که هر کدام به خاطر اشاره به یک خصوصیت از خصوصیات روحی و فردی و زمانی و یا خصوصیتی از کارهای حضرتش در زمان غیبت و حضور، بر آن بزرگوار گفته شده است.

مثلا در خبر است که علت این که او را «قائم» نامیدند این است که: بعد از آن که یاد و ذکر او در میان مردم فراموش شد، و اکثر کسانی که قائل به امامت آن بزرگوار بودند مرتد شده و از دین خود بازگشتند، قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید.

و «منتظر» نامیدند، زیرا آن قدر زمان غیبت او به طول می انجامد که مخلصان انتظار او را بی صبرانه می کشند، و اهل شک و تردید انکارش کنند، و منکران به استهزاء و مسخره اش دست می زنند، و عجله کنندگان ناراضی بر قضای الهی هلاک می شوند،^(۱) و فقط آنان که تسلیم امر خدا و حجت های بی همتای اویند، از این گرداب هلاکت نجات می یابند.

۱ - «هلك المستعجلون»، روایات زیادی به این مضمون وارد شده و از هلاکت کسانی که در فرج عجله می کنند خبر داده است، و این عجله به خاطر نارضایتی از قضای الهی است، که چرا آن حضرت ظهور نکرد و...، که ممکن است به همراه اقدام عملی باشد، بدین گونه که با اعمال و رفتاری که از خود نشان می دهند، به خیال خودشان زمان فرج را به جلو بکشانند.

فی غیبه قد نهیت تسمیته و هکذا قد رویت تکنیته

«۵»

نشان پنهان

حضرت امام جواد علیه السلام:

«يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَ يَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَّتَهُ»^(۱)

« شخص او از دید آنان پنهان می‌گردد، و بردن نام او بر آنان

حرام می‌شود.»

نام اصلی امام زمان علیه السلام همان نام رسول گرامی صلوات الله علیه و آله و کنیة او نیز مطابق کنیة آن حضرت است. اما اخبار و روایات زیادی آمده است که بردن نام اصلی آن حضرت در محافل و مجالس حرام است و حتی در بعضی از آن‌ها اشخاصی که از آن حضرت به این اسم در غیبت نام برند تعبیر به «کافر» و «ملعون» و امثال آن شده است،^(۲) و فقط شهرت آن حضرت به این نام و نشان، مربوط به زمان ظهور آن نور الهی است.

اما این که چرا در زمان غیبت این نام حضرت برده شود علت آن چندان روشن نیست، و هر یک از علماء دین در این باره توجیهی و وجهی

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۳ حدیث ۱۰.

۲- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۱ باب النهی عن التسمیة.

به عنوان حکمت نقل کرده‌اند، اما آن چه مورد نظر است این که آن امام غائب، مظهر اسماء خفی و باطنی خداوند مزوجن می‌باشند، و بسان خورشید در پس ابر، وجود مطهرشان از انظار خلق پنهان است، و حتی نام آن عزیز نیز باید مخفی بماند.

نمی‌دانم این غیبت چیست؟ خودشان مخفی اند! جا و مکانشان مخفی است! زمان ظهورشان مخفی است!

آیا خداوند متعال این خفاء را وسیله حفظ و حراست آخرین گوهر ذخیره خویش قرار داده؟ یا سرّ دیگری در این نشان پنهان است؟ این هم چیزی است که بر ما مخفی است، همه چیزشان مخفی است، پس بهتر آن است که ما نیز مهر سکوت بر لب زنیم و فقط زیر لب چنین زمزمه کنیم:

«مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرِكُمْ، وَ مَفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ.»

«من به سرّ (پنهان) و علانیه (آشکار) شما، و شاهد (حاضر) و غائب شما و اولین و آخرین شما ایمان دارم، و در این باره همه چیز را به شما وا می‌گذارم.»

تا زمانی که هرگاه و هر مقدار که ایشان صلاح بدانند، ما را بر اسرار خویش محرم شمارند و نسبت به آنها مطلع سازند. انشاءالله.

كَانَ سَمِيًّا وَ كُنِيًّا لِلنَّبِيِّ وَ إِنَّ ذَا لَغَيْرِهِ لَقَدْ نُهِى

«۶»

هم نام و هم کنیه پیامبر^(۱)

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنِيَّتُهُ كُنِيَّتِي.»^(۲)

«مهدی از فرزندان من نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من است.»

او که ذخیره الهی برای تحقق بخشیدن به وعده‌های قرآن^(۳) و آرمان رسول الله صلی الله علیه و آله است، چه زیباست که نام نامی او به اسم سامی آن حضرت باشد.

نه تنها احیاگر کتاب و سنت اوست، بلکه نام او را نیز زنده خواهد

۱- در زبان فارسی انسان یک اسم شخصی دارد و یک اسم خاندان، که فامیل گویند، اما در زبان عربی سه نوع نام گذاری دارند، یکی اسم و یکی لقب و دیگری کنیه، اما لقب عبارت است از تعبیری که حالت وضعی دارد و اشاره به یک خصوصیتی در فرد است، مثل لقب طاهر، که حاکی از پاکی اوست یا لقب امیرالمؤمنین و...

اما کنیه برگرفته شده از کلمه کنایه است، که به جای این که از خود شخص نام ببرند، او را با انتساب به پدر یا مادر مثل ابن الحسن یا ابن فاطمه، یا انتساب به پسر یا دختر او، مثل ابوالحسن ابوفاطمه، ام حسین یا ام فاطمه صدا می‌کنند.

۲- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۲ حدیث ۱۶.

۳- مانند آیه ۵۵ سوره نور: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾، و آیه ۹ سوره صف ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ که این دو آیه شریفه تفسیر به زمان حضرت ولی عصر عجل الله فرجه شده است.

ساخت و بر سینه جاودانه تاریخ حک خواهد کرد، و تنها او شایسته است هم نام و هم کنیه پیامبر باشد، و برای دیگران روانیست که این دو را با هم بر خویش بگذارند.

اگر چه این لباس فقط بر قامت آن عزیز جلوه نمائی می‌کند که هم نام و هم کنیه آن رسول بزرگ الهی باشد، و تنها اوست که خیمه دین محمدی را بر فراز گیتی بر پای می‌کند، اما تمام اجداد طاهرین ایشان برای تحقق این آرمان مقدس، سعی بلیغ و جهاد بی دریغ داشته‌اند و شاید به همین مطلب اشاره فرمود حضرت... علیه السلام:

«أَوْلَانَا مُحَمَّدٌ، وَأَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ، وَآخِرُنَا مُحَمَّدٌ، وَكُلُّنَا مُحَمَّدٌ» (۱)

إذ كلّ مولود متى تولّدا
ففيها يصير مؤمناً موحّداً

«۷»

میلا دی پر برکت، مولودی سعادت بخش

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

« إِنَّ اللَّيْلَةَ الَّتِي يُوَلَّدُ فِيهَا الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَا يُوَلَّدُ فِيهَا مَوْلُودٌ إِلَّا كَانَ مُؤْمِنًا، وَإِنْ وُلِدَ فِي أَرْضِ الشَّرِكِ نَقَلَهُ اللَّهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِبِرَكَّةِ الْإِمَامِ. »^(۱)

«هیچ مولودی در شب میلاد حضرت قائم علیه السلام به دنیا نمی آید، مگر آن که مؤمن خواهد بود، و اگر در سرزمین شرک نیز متولد شود خداوند او را به برکت امام علیه السلام به سوی ایمان خواهد کشاند.»

آن امام علیه السلام نور خداست، و نور با تاریکی سازگاری ندارد، در مکانی که نور باشد ظلمتی نیست و در آن زمان که نور پدید آید ظلمت و تاریکی محو می گردد.

همزمانی میلاد هر مولود با میلاد آن امام همام علیه السلام مَهر سعادت است بر پیشانی آن کودک، چرا که نور خدای از شعاع خورشید امامت بر پیکره وجودش می درخشد و درخت ایمان را در سرزمین وجودش

می‌نشانند، و اگر در آن شب نوزادی در دیار ظلمانی شرک پدیدار شود، امواج درخشنده نور امام علیه السلام او را به سوی کشتی نجات، رهنمون خواهد ساخت، و این از جمله اولین آثار و برکات این وجود افلاکی در سرزمین خاک‌کی است که ایشان برکات بی شمار دارند و بی عدد.

«مَوَالِيَّ لَا أَحْصِي ثَنَائِكُمْ وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ.»^(۱)

از جمله شب‌هایی که خداوند نظر خاصه خود را بر بندگان می‌افکند، و از سفره احسان خویش، بهر مندشان می‌سازد، شب نیمه شعبان، هنگامه طلوع ستاره‌ای فروزان از مشرق دامان پاک حضرت نرجس علیها السلام است. و آن شب، شب بسیار مبارکی است و حضرت امام باقر علیه السلام در باره آن فرمودند:

«آن شب بعد از شب قدر برترین شب‌هاست، خداوند در آن شب به بندگان خویش، فضل خود را عطا می‌نماید، و آنان را به من و کرم خویش می‌آمرد، و شبی است که خداوند به ذات مقدس خود سوگند یاد فرموده که هیچ تقاضا کننده‌ای را دست خالی برنگرداند، مگر آن که معصیتی را از خدا سؤال کرده باشد، و شبی است که خداوند آن را برای ما قرار داده در مقابل شب قدر که آن را برای پیغمبر صلی الله علیه و آله قرار داده، پس کوشش کنید در دعا و ثنا برای خدای تعالی.»^(۲)

۱- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره. ۲- مفاتیح الجنان، اعمال شب نیمه شعبان.

بیت له مشرف بالمجد و هی المسماة ببیت الحمد

«۸»

بیت الحمد، چراغ فروزان

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«إِنَّ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بَيْتًا يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ، فِيهِ سِرَاجٌ يَزْهَرُ مِنْذُ
يَوْمٍ وُلِدَ إِلَى يَوْمٍ يَقُومُ بِالسَّيْفِ لَا يُطْفِئُ.»^(۱)

«صاحب الامر علیه السلام را کاشانه‌ای است که بیت الحمدش
گویند، از روز ولادت آن جناب در آن چراغی روشن و درخشان
است و تا روزی که با شمشیر بپاخیزد خاموش نمی‌گردد.»

او ولی خدا و ولی امر الهی است، پس جایگاهی رفیع و خانه‌ای بلند
مرتبه باید داشته باشد، آن هم خانه‌ای که به ستایش و حمد الهی نام گرفته
و از همان خانه‌هایی است که حضرت حق عزوجل از آنها به تقدیس و
تمجید یاد فرموده:

«فِي بُيُوتِ آذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا
بِالْقُدُوءِ وَ الْأَصَالِ، رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ»^(۲)

«در خانه‌هایی که خداوند اذن فرموده که بلند مرتبه باشند و نام
مقدسش در آنها برده شود، مردانی هستند که صبحگاهان و

شامگاهان تسبیح او می گویند، و هیچ تجارت و خرید و فروشی آنها را از ذکر خدا غافل نمی سازد.»
و باید در این خانه نوری و چراغی درخشانده باشد، چرا که خانه نور خداست و نباید این نور هرگز خاموش گردد تا عالمیان بدانند که نور الهی خاموش نگردد، و حجت خداوند زایل نشود، و گذشت روزگاران متمادی از نورش نمی کاهد و دست دشمنان برای خاموش کردن آن کوتاه است.

﴿ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴾^(۱)

«آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خداوند نور خود را کامل می کند، هر چند کافران خوش نداشته باشند.»

علامة فى ظهره معینة لمن یرى ظاهرة مبینة

«۹»

علامتی بر پشت؟!

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

«بِظَهْرِهِ شَامَتَانِ، شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ، وَ شَامَةٌ عَلَى شَامَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»^(۱)

«بر پشت او (امام زمان علیه السلام) دو علامت است، یکی از آنها هم‌رنگ پوستشان و دیگری مانند علامت (شانۀ) پیامبر صلی الله علیه و آله است.»

بر شانۀ مطهر نبوی صلی الله علیه و آله علامتی بود که حکایت از ختم نبوت به وجود پاک آن رسول اعظم صلی الله علیه و آله می نمود، و آن حضرت به آن شناسائی می شد،^(۲) و بر پشت شانۀ آخرین یادگار او حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین علامتی است که با آن شناخته می شود.

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۵ حدیث ۴.

۲- انبیاء گذشته یکی پس از دیگری، آمدن پیامبری را در آخر الزمان بشارت داده بودند که نبوت به او خاتمه می یابد و دین او ناسخ همه ادیان الهی است، و برای او علائمی برشمرده بودند تا مردم او را بشناسند و به او ایمان آورند، از جمله این علائم همین مهر بود که بر شانۀ مبارک ایشان نقش بسته بود. و در روایت است که: «بِعَرَفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ ابْنَاءَهُمْ» آنها (با این اوصاف) او را می شناختند، همان طور که فرزندان خود را می شناختند.

ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام

آری وقتی او آینه تمام نمای رسول الله صلی الله علیه و آله است، و اسم و رسم او را با خود دارد، و سیمای محمدی صلی الله علیه و آله در چهره منورش هویدا است، در علامت نیز باید که شیه آن سفیر الهی باشد، و شاید آن علامت؛ علامت ختم وصایت است.

و هذه مرتبة علياء أن به تختم الأوصياء

«(۱۰)»

آخرین اوصیاء و ختم وصایت

حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه:

«.....أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ
وَشِيعَتِي.»^(۱)

«من پایان دهنده اوصیایم و به واسطه من خداوند از اهل و
شیعیانم بلا را می گرداند.»

او آرمان همه انبیاء و اوصیاست، و کامل کننده اهداف مقدس ایشان
است، او رکن شدیدی است که حضرت لوط علی نبینا و آله و علیه السلام وقتی از
ستم قوم خویش به تنگ آمد آرزویش نمود:

﴿لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾^(۲)

او امید داود و وعده نوشته شده زبور است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ، إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا

عِبَادِي الصَّالِحُونَ﴾^(۳)

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰ حدیث ۲۵.

۲- سوره هود: ۸۰ یعنی: ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی، (آن
گاه می دانستم با شما زشت سیرتان دد منش چه کنم) که این پشتیبان محکم در روایات تفسیر
به وجود امام عصر علیه السلام شده است.

۳- سوره انبیاء: ۱۰۵.

« در زبور بعد از ذکر نوشتیم که بندگان شایسته ام وارث

(حکومت) زمین خواهند شد.»^(۱)

و تحقق بخش اهداف بلند سفیران الهی است، عصاره علوم اولین و آخرین و شاه میوه درخت پاک هداست است.

چنانچه شاهراه نبوت و رسالت به کوی جد اطهرش رسول الله صلی الله علیه و آله پایان یافت، و مدال «خاتم النبیین»^(۲) بر سینه اش آویخته شد، قافله وصایت نیز بر آستان مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام رحل اقامت خواهد افکند، وصایت همه اوصیاء به او ختم و کامل خواهد شد.

« آن چه خوبان همه دارند تو تنها داری.»

و خیمه دین مبین اسلام به دست او بر سر تمام ادیان و مذاهب سایه گستر خواهد شد که این وعده الهی است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^(۳)

«او کسی است که رسول خویش را به هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه ادیان غالب سازد هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.»

آری او ختم اوصیاست و چه نیکو ختامی است؛

«خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ»^(۴)

۱- او وعده حضرت موسی علیه السلام به صابران بنی اسرائیل است: «وَقَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِظُوا بِاللهِ وَ

اصْبِرُوا، إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»

۲- سورة احزاب: ۴۰.

۳- سورة توبه: ۳۳.

۴- سورة مطففين: ۲۶.

فرقته عن صحبة الفجار و أنسه مع كمل الأخيار

« ۱۱ »

همدم با نیکویان کامل

حضرت امام رضا علیه السلام:

« سَيُونِسُ اللَّهِ بِهِ (خِضْر) وَخَشَّةٌ قَائِمِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي غَيْبَتِهِ وَ يَصِلُ بِهِ وَخَدَّتُهُ. »^(۱)

« بزودی خداوند حضرت خضر را مونس وحشت قائم ما علیه السلام

قرار خواهد داد و تنهایی او را بر طرف خواهد کرد. »

در طول تاریخ همیشه اهل کفر و باطل به پیکار اهل ایمان و حق

پرداخته‌اند، و شیاطین در مسیر هدایت، سنگ انداخته‌اند.

بعد از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خلفای کفر و الحاد یکی پس

از دیگری در مقابل ائمه هدی علیهم السلام قرار گرفتند، و هر یک به نحوی

این اولیاء الهی را به شهادت رسانیدند.

نوبت به اولیاء که رسید آسمان طپید

زان ضربتی که بر سرشیر خدا زدند

آن در که جبرئیل امین بود خادمش

اهل ستم به پهلوی خیر النساء زدند

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۲ حدیث ۳.

پس آتشی ز اخگر الماس ریزه‌ها

افروختند و بر جگر مجتبی زدند

پس آن سرادقی که ملک نیست محرمش

کنندند از مدینه و در کربلا زدند

و همین گونه یک یک ائمه دین را بعد از اذیت بسیار، به زهر یا سم به

شهادت رساندند.

اما از آن جا که مشیت الهی بر آن تعلق گرفت که حجت بالغه الهی به

دور از دولت فاسقین و ظالمین گذران عمر شریف نماید، و یکه و تنها

ساکن صحراها و بیابان‌ها و نقاط اقصی باشد، و یا در شهرها به دور از

دسترس مردم تردد نماید و از انظار خلق غایب و مستور باشد، خداوند،

مردمان کامل و برترین نیکویان خلق خود را به خلوتگاه انس او خواهد

فرستاد تا هم دم و هم راه و مونس تنهایی او باشند و از آن جمله است

حضرت خضر نبی علیه السلام و نیتا و آله علیهم السلام.

در بعضی از روایات چنین آمده که سی نفر از نیک سیرتان و خوبان

کامل، انس تنهایی یگانه باقیمانده حضرت زهرا علیها السلام ^(۱).

﴿فَطُوبَى لَهُمْ وَحَسَنُ مَا أَبَى﴾ ^(۲)

خوشا پروانگان گرد رویت خوشا پرپر زنان دور کویت

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۳ و ۱۵۷ حدیث ۲۰.

۲- یعنی: پاکیزه‌ترین زندگی دارند و بهترین فرجام‌ها. سوره رعد: ۲۹.

أَنْ بَيْعَةَ لِلْفَاجِرِينَ الْفَسَقَةَ مَنْ أَحَدٍ فَلَمْ تَذَلَّ عُنُقَهُ

«۱۲»

در قلمرو فرمان هیچ کس نیست

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَخْفَى وِلَادَتَهُ وَ يَغِيبُ شَخْصَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ»^(۱)

« خداوند عزوجل میلادش را مخفی و وجود مقدسش را در پس پرده غیبت نگه داشت تا هنگام قیامش بیعت هیچکس در گردنش نباشد.»

هنگامی که مردم حضرت سید الشهداء علیه السلام را تنها گذاشتند و طاغیان و یاغیان را بر سر خویش حاکم و مسلط ساختند، و از اوج عزت به پرتگاه ذلت افتاده، تن به خواری و خفت دادند و به جای آل الله علیهم السلام دست انتخاب به سوی شیاطین دراز کردند^(۲)، و دست پاک

۱- الإمام المهدی ص ۸۹ و بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳۲ حدیث ۱.

۲- شکی در این نیست که بیعت با پیغمبر و امام، لازم و شرط ایمان است، و در حقیقت بیعت با خداوند می باشد ﴿الَّذِينَ يَبِيعُونَكَ أَنَّمَا يَبِيعُونَ اللَّهَ﴾.

اما بیعت با غیر معصوم: اگر به طور خاص از طرف امام معصوم نصب شده و به فرمان امام باشد، بیعت با او واجب است، چون بیعت با او، بیعت با امام است، و گرنه بیعت با او جایز نیست، خواه دعوت او به سوی خودش باشد، خواه به عنوان نیابت و وکالت از امام. جهت اطلاع بیشتر به کتاب مکیال المکارم باب ۸ فصل ۳۴ و یا ترجمه آن مراجعه شود.

معصوم علیه السلام را کنار زده و دست آلوده غیر معصوم را به بیعت فشر دند، درخت کفر و نفاق بالا گرفت و از جمله ثمرات شوم آن، خانه نشین شدن ائمه هدی علیهم السلام گردید، و آن بزرگواران مجبور شدند به خاطر حفظ دین خدا و حراست و نگه داری خون خود و شیعیانشان به طور تقیه در تحت فرمان حکومت جائران زندگی نمایند، و تحت بیعت و فرمانروائی آنها باشند^(۱)، ولی چون قلم تقدیر پروردگار چنین نگاشته بود که آخرین حجت الهی، دست انتقام حق تعالی باشد و حکم خداوندی را بر تمام گیتی سیطره دهد و نه تنها تحت فرمان هیچ دولتی نباشد، بلکه همه را تحت فرمان کشد، از این جهت ولادت و دوران زندگی آن حضرت از منظر چشم مردمان مخفی شد تا بیعت هیچ پادشاه و حکومتی را در گردن نداشته باشد، و چون قیام نماید حکم احدی بر او روا نباشد، بلکه در آن روز تنها حکم و ملک از آن خداوند قادر قهار خواهد بود؛

﴿ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ، لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴾^(۲)

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳۲ حدیث ۱.

۲- یعنی: حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهار است. سوره غافر: ۱۶.

فی سنّه اذا یبین فینا

بین الثلاثین و اربعینا

«۱۳»

جوانی بعد از سال‌های طولانی!

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام:

«لَوْ قَامَ الْمَهْدِيُّ لَانْكَرَهُ النَّاسُ، لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا وَ هُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا.»^(۱)

«چون حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید، مردم او را انکار کنند، زیرا او را پیری بزرگ سال می‌پندارند، ولی او به صورت جوان به سوی آن‌ها بر می‌گردد.»

از ویژگی‌های گل نرجس علیها السلام این که مرور ایام و گذران شب‌ها بر جسم مطهرش اثر نمی‌گذارد، او امام «عصر» و «زمان» است پیش از زمان و پیشوای زمان است، و بر زمین و زمان احاطه کامل و تسلط شامل دارد. برتر از زمان و فراتر از مکان است، بلکه به وجود آن حضرت، آسمان و زمین و گردش ایام و لیالی، استوار و برقرار است.

«بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.»^(۲)

آسمان و زمین و لیل و نهار به ولایش چنین گرفته قرار

۱- منتخب الاثر، ص ۲۵۸.

۲- به یمن وجودش زمین و آسمان استوار مانده است.

پس اگر اراده آن جناب که همان مشیت پاک الهی است بر آن تعلق گیرد که گذران زمان در وجود مسعود او اثر نگذارد، باید که زمانه، اسلحه خویش را زمین بگذارد و سر تسلیم بر آستان حضرتش فرود آرد که اطاعت امام علیه السلام بر همه چیز و همه کس به وجوب تکوینی و تشریحی واجب است.

و بدین جهت آن عزیز با عمری طولانی اما سیمای جوان و نورانی و در چهره ای چهل ساله یا کمتر ظاهر خواهند شد،^(۱) و به همین خاطر بسیاری از مردم، حضرتش را انکار می کنند، زیرا بعد از گذشتن زمانی طولانی او را پیری سالخورده می پندارند و در شمار جوانانش نمی انگارند، و این نیز بحر امتحانی است که جز مؤمنین توان عبور از آن را ندارند.^(۲)

۱ - «قلت للرضا علیه السلام: ما علامة القائم علیه السلام منکم إذا خرج؟ قال: علامته أن يكون شيخ السن، شاب المنظر، حتى أن الناظر إليه ليحسبه ابن أربعين سنة أو دونها، وإن من علامته أن لا يهرم بمرور الأيام والليالي عليه، حتى يأتي أجله.» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۵.

۲ - «لو قد خرج القائم عليه السلام بعد أن أنكره كثير من الناس، يرجع شاباً موقفاً، فلا يثبت عليه إلا كل مؤمن.» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۹ حدیث ۲۰.

سلطانه یحیط فی الأقطار و حکمه ینفذ فی الأمصار

«۱۴»

سلطنت بر پهنای گیتی

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ بِهِ مَشَارِقَ
الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا.»^(۱)

«مهدی از فرزندان من است، همان که خداوند به وسیله او

مشرقها و مغربهای زمین را فتح خواهد کرد.»

چون دوران پادشاهی او فرارسد و همای سلطنت مهدوی پرگشاید و
بر فراز آسمان عزّت به پرواز در آید، بالهای رحمت او بر گوش تاگوشه
عالم سایه خواهد افکند، و گیتی به دست حق پرستش فتح خواهد شد^(۲)،
و عروس پریشان دین بعد از روزگاری دوباره بر محمل سامان خواهد
نشست، و دیو باطل و ظلم از این عالم رخت بر خواهد بسته به سرزمین
نیستی سفر خواهد کرد^(۳)، و دیگر زمین خداوند از وجود لاشخورهای
گناه و معصیت پاک خواهد شد، و عدل و عدالت جایگزین آن

۲- منتخب الأثر: ص ۴۷۰.

۱- الزام الناصب، ص ۱۲۷.

۳- روزگار رهائی: ج ۱ ص ۵۰۰.

می گردد. (۱)

در آن هنگام خداوندگار عالمیان بدون خوف و ترس پرستش می شود و «يَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ»^(۲) و فقط شریعت خاص از خداوند خواهد بود و این وعده حقی است که قابل تکذیب نخواهد بود.

«ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ»^(۳)

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ»^(۴)

۱ - اما تعبّون أن يظهر الله عزوجل الحق والعدل في البلاد ويحسن حال عامة الناس ويجمع الله الكلمة ويؤلف بين القلوب المختلفة، ولا يعصى الله في أرضه، بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۸ حدیث ۲۰.
 ۲ - یعنی: و دین مخصوص خداوند گردد. سوره بقره: ۱۹۳.
 ۳ - یعنی: این وعده ای است که دروغ نخواهد بود. سوره هود: ۶۵.
 ۴ - یعنی: سلام بر تو ای وعده خداوند که تحقق آن را ضمانت فرموده! مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

بعلمه فی عهدی لیحکم
 احکام حق عنده مبیّنة
 من ربه فی کل امر یلهم
 یقضی بدون شاهد و بیّنة

«۱۵»

حکم داودی

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ
 دَاوُدَ، فَلَا يَخْتِاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ، فَيُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى، فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ.»^(۱)

«آن گاه که قیام کنندۀ آل محمد علیهم السلام بپا خیزد، در میان مردم
 به حکم داود حکم نماید، و نیازی به شاهد و بیّنه ندارد، بلکه
 خداوندگار بلند مرتبه او را الهام می کند و او به علم خویش عمل
 خواهد کرد.»

آن زمان که حضرت داود علی نبینا و آلک و علیہ السلام به حکم ﴿ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ
 فَضْلَ الْخِطَابِ ﴾^(۲) منصب حکمرانی و قضاوت را به دست گرفت، دو نفر
 که بر سر عده ای گوسفند کارشان به اختلاف کشیده بود، در محضرش بیان
 ادعا کردند و آن حضرت بدون این که از آنها شاهی طلب کند به
 صدور حکم الهی اقدام نمود. ولی در اندک زمانی متوجه شد که آمدن
 این دو نفر نزد او دستوری بوده از طرف خداوند متعال تا داود را امتحان

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۹ حدیث ۸۶

۲- یعنی: دانش داوری عادلانه به او دادیم. سوره ص: ۲۰.

نمایند و نمی بایست داود بدون خواستن شاهد و بیته حکم می نمود. ^(۱)
 آری داود را گفتند که حکم بدون طلب شاهد مخصوص خلیفه
 دیگری است که وعده آمدنش در زبور، مزبور است ^(۲)، و فقط اوست که
 بدون بیته حکم خواهد فرمود.

اگر چه اجداد طاهرینش همگی سینه هاشان مخزن اسرار و علوم
 خداوندی بود و آگه از اسرار غیب و نهان بودند، اما امر الهی چنان صادر
 شده بود که در میان مردم به واسطه شاهد، بیته، سوگند و اموری که در
 قضاوت معتبر است حکم نمایند، اما از ویژگی های سلطان عصر علیه السلام
 در زمان ظهور، آن است که در میان مردم به علم معبودی و حکم داودی
 حکم خواهد نمود و از کسی طلب بیته و شاهد نخواهد کرد و نیازی به بیته
 ندارد.

آری او خود شاهد است و حاکم و به «عین الله الناظرة» می بیند و به
 «حکم الله المرضی» حکم می کند و با «ید الله الباسطه» اجرای حکم
 می نماید، انشاء الله.

۱- تفسیر المیزان: ج ۱۷ ص ۲۰ سوره ص. ۲- سوره انبیاء: ۱۰۵.

درع النبی بجسمه قد استوی آبائه قد لبسوه ما استوی

«۱۶»

زرهی یادگار بر قامتی استوار

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«إِنَّ أَبِي لَيْسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَتْ تَسْحَبُ عَلَيَّ الْأَرْضِ، وَإِنِّي لَيْسْتُهَا فَكَانَتْ وَكَانَتْ، وَإِنَّهَا تَكُونُ مِنَ الْقَائِمِ، كَمَا كَانَتْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُشْمَرَةً.»^(۱)

« پدرم زره رسول خدا صلی الله علیه و آله را پوشید، روی زمین کشیده می شد، و من پوشیدم، همان طور بود، و آن زره برای حضرت قائم زینده می باشد، همان طور که برای رسول الله صلی الله علیه و آله اندازه و زینده بود.»

اخبار و آثار اهل بیت علیهم السلام حاکی از آن است که قامتِ چون قیامت رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله را دو زره مخصوص بود، یکی زرهی که بعد از آن بزرگوار، نشان امامت کبری و خلافت عظمای جانشینان آن حضرت می باشد و ویژگی اش آن است که فقط بر قامت امام هر زمان و خلیفه راستین پیامبر، راست و درست می آید، و دیگری چون بیوشد قامتش کوتاه باشد یا بلند، یک وجب از او بلندتر خواهد بود و نزد

۱- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۱۹ حدیث ۲۰.

ائمه هدی علیهم السلام امامی بعد از امام چرخیده تا به محضر مقدس امام عصر علیه السلام رسیده. (۱)

ولی زره دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله آن است که حتی بر قامت مبارک ائمه علیهم السلام نیز استوار نمی‌شد و مقداری از قامتشان بلندتر بود، و این زره بعد از رسول گرامی اسلام، مخصوص قامت سرو گل زیبای نرگس است، که چون بر قامت او آراسته شود بر او راست و درست و استوار آید و صحنه‌ای از قامت سرو گونه آن پیک آخرین الهی و پیامبر بزرگ خدا بر پرده روزگار مصور خواهد شد و خاطرات گام‌های استوار و خرامان آن سرور بزرگ، زنده خواهد شد که این زاده رسول خدا صلی الله علیه و آله و محمدی دیگر است. صلوات الله علیهم اجمعین.

۱ - علامه مجلسی علیه السلام، عین الحیة بحث امامت، تنویر ششم، بعضی از صفات و علامات امام.

لأجله جمع من الأموات ترجع فی الأرض إلى الحياة

«۱۷»

ملاقات زندگان و مردگان، صحنه‌ای تماشائی

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

«قَبِيعَتُ اللَّهِ الْفِتْيَةَ مِنْ كَهْفِهِمْ مَعَ كَلْبِهِمْ»^(۱)

« پس خداوند آن جوانان را از پناهگاهشان هم راه با سگشان

بر می‌انگیزد.»

بسیار زیباست! حیرت‌انگیز و خیره‌کننده! عجیب و شگفت آور! این

صحنه ظهور را می‌گویم! ملاقات اولین با آخرین، زندگان با مردگان، احیا

با اموات.

آری از عترت طاهره علیهم السلام چنین رسیده:

«در ماه جمادی الثانی و مقداری از رجب، بارانی بر سر مردم فرو

می‌ریزد که چشم روزگار مانند آن را تماشا نکرده، آن گاه خدای

قادر متعال گوشت و بدن اهل ایمان را از میان قبرهاشان به سان

شاخه گلی می‌رویاند. بر می‌خیزند و خاک از موهای سرشان

می‌افشانند.»^(۲)

۱- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۸۵.

۲- اعلام الوری ص ۴۳۲، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۷.

آن جوانمردان هفتگانه کهف با آن سگ با وفایشان زنده می گردند و مردانی از گذشتگان از پشت کوفه به آن پیشوای حق پرستان می پیوندند، که شمار آنها بالغ بر ۲۷ نفر خواهد بود. پانزده تنشان از قوم حضرت موسایند؛ آنان که به حق گرویدند و به سوی او هدایت کردند و ۷ تن یاران غار؛ آن جوان مردان آرمیده در کهف و حضرت یوشع بن نون، و آن نمونه ایمان و برگزیده مسلمان یعنی حضرت سلمان و آن محبوب حضرت باری جناب ابودجانه انصاری و آن ثابت قدم استوار؛ مرد راستی و داد حضرت مقداد و شمشیر خدای اقدس اقدر جناب انور مالک اشتر رضوان الله تعالی علیهم اجمعین. (۱)

و اینان یاران و هواداران و سرداران مُلک ملکوتی آن مقتدای حق پرستان و آرمان یکتا پرستان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فدا خواهند بود. جان بی مقدار ما فدای راهشان و سر و پیکرمان، خاکِ راهی که این عزیزان بر آن گام می نهند.

۱- و یدخرج مع القائم علیه السلام من ظهر کوفه سبع و عشرون رجلاً خمسة عشر من قوم موسی علیه السلام الذین کانوا یهدون بالحق وبه يعدلون، و سبعة من أهل الکهف، و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه الانصاری و المقداد و مالک الاشتر فیکونون بین یدیه أنصاراً و حکاماً. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۹۱ ح ۹۵.

لديه كان حجر فيظهر

فانه من مكة ان يظهر

«۱۸»

زاد و توشه راهیان و آذوقه هم راهیان

حضرت امام محمد باقر علیه السلام:

«..... فَهُوَ زَادُهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجَفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ.» (۱)

«پس آن (سنگ) توشه آن هاست تا از پشت کوفه در نجف

بار اندازند.»

حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام را سنگی بود که چون عصای خویش بر آن می‌کوبید برای هر یک از دوازده فرقه بنی اسرائیل، چشمه‌ای از آن جاری می‌گشت، هنگامی که از آن می‌نوشیدند سیر و سیراب می‌گشتند و تشنگی و گرسنگی از مرز کشور بدنشان خارج می‌شد. و چون مواریت انبیاء و آثار اصفیاء به امام عصر علیه السلام منتقل می‌شود و نزد آن حضرت موجود می‌باشد، سنگ و عصای حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام نزد حضرتش به یادگار مانده است.

چون در مکه قیام نماید و از آن جا به قصد کوفه حرکت فرماید،

منادی حضرت، ندا خواهد داد:

« هیچ کس غذا و آب و نوشیدنی هم راه بر ندارد.»

آن گاه آن حضرت آن سنگ را بار شتری کرده به هم راه می برند و در هر منزلی که فرود آیند آن چشمه ها از آن سنگ جاری شود، پس گرسنگان را سیر و تشنگان را سیراب نماید، و حیواناتشان نیز سیراب گردند. این سنگ حامل زاد و توشه راهیان راه و هم راهیان آن شاه خواهد بود. (۱)

﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا﴾ (۲)

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «اذا قام بمكة و اراد ان يتوجه إلى الكوفة، نادى مناديه: الا لا يحملن احد طعاماً ولا شراباً، و يحمل معه حجر موسى بن عمران و هو قر بعير، فلا ينزل منزلاً الا انفجرت منه عيون، فمن كان جائعاً شبع و من كان ظامئاً روى، و رويت دوابهم، فهو زادم حتى ينزلوا النجف من ظهر الكوفة.» بحار الانور ج ۵۳ ص ۳۳۵.

۲- یعنی: از چشمه ای جوشان که بندگان خاص خدا از آن می نوشند، و از هر جا بخواهند آن را جاری می سازند. سوره انسان: ۶.

لکلهم قد تنزل السيوف
من ربهم وإنها ألوف

«۱۹»

زینت شمشیرهای آسمانی

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ، عَلَى كُلِّ سَيْفٍ إِسْمُ الرَّجُلِ وَ
إِسْمُ أَبِيهِ.»^(۱)

«هنگامی که (حضرت) قائم علیه السلام قیام کند، شمشیرهای جنگی
از آسمان نازل شود، بر هر شمشیری نام مرد و پدرش
نگاشته شده.»

آنان مردان آسمانی اند که از اوج افلاک تا به روی خاک آمده‌اند تا به
زمینیان پیام‌رسانند آسمانی بودن را.

اینان خاک فرزند پاک ابو ترابند. افلاکیان خاک نشینند. در پیشگاه
مقدس یوسف فاطمه علیهما السلام خاک می‌شوند و از هر چه غیر خداست
پاک می‌شوند.

بر زمینند اما انس با آسمان دارند و مردان آسمانی را سلاح‌های
آسمانی سزاوارتر است. بدین جهت شمشیرهای برنده از آسمان بر ایشان
فرود می‌آید در حالی که زیبایی و زینت هر شمشیر نام صاحب آن شمشیر

۱- بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۶. غیبة نعمانی ص ۲۴۴.

و نام پدر اوست که بر روی آن نقش بسته و آن را تماشائی تر ساخته.
 علاوه که این سلاح و زره‌ها و کلاه خودهای مخصوص، علامت
 یاران مهدی علیه السلام است و آن حضرت وقتی آنها را بر قامتشان حمایل
 می‌کنند به آنان چنین می‌فرمایند:

«هرکس این سلاح‌ها را حمایل ندارد با او مجاهده نماید و

به کامش زهر تلخ مرگ بریزید.»^(۱)

و باید که ریشه کفر و ظلم در عالم پست و سُفلی به وسیله سلاح‌های
 پاکیزه عالم اعلیٰ برکنده شود. انشاء الله تعالی.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «اذا قام القائم..... فسيخرجون ألف درع و اثني عشر ألف سيف و اثني عشر ألف بيضة، لكل بيضة وجهان.... فيلبهم ذلك، ثم يقول: من لم يكن عليه مثل ما عليكم فاقتلوه، بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۷۷.

عند الظهور يفتح اللواء

بيمينه فيقلب الأعداء

« ۲۰ »

رایت با مهابت رسول الله ﷺ

حضرت امام محمد باقر علیه السلام:

« إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ظَهَرَ بِرَأْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. »^(۱)

« هنگامیکه حضرت قائم علیه السلام ظاهر شود، با پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله ظهور نماید. »

در اولین رویارویی دولت اسلام با حکومت کفر و شرک یعنی روز بدر، حضرت جبرئیل امین علیه السلام پرچمی را که تار و پودش از برگ های بهشتی در هم آمیخته بود بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرود آورد و آن سرور، آن را گشودند.

بعد از فتح بدر آن را پیچیده به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دادند. حضرتش در جنگ بصره گشودند و همای فتح و ظفر بر سر آنان سایه افکند، سپس آن را پیچیده و نزد ائمه هدی دست به دست تا به دست یگانه پرست بزرگترین پرچمدار فتح و پیروزی حضرت قائم آل محمد علیه السلام رسید و چون پیاخیزد بازش نماید و به اهتزازش در آورد.

از شگفتی های این رایت این که چون گشوده شود از یک ماه راه، ترس و هراس و رعب از چپ و راست و پیش رو و پشت سرش مانند آتش سوزنده و برق جهنده بر جان دشمنان می افتد، و آنان را از هرگونه تحرک و اقدام باز می دارد و اراده را از آنان سلب می کند و روی به هر که گذارد هلاکش را به دنبال دارد. (۱)

و به دنبال این رعب و وحشت دشمن، این نسیم فتح و پیروزی و ظفر است که پرچم به اهتزاز در آمده اش را به آن سو و این سو حرکت می دهد. آری آن پرچمی که در اول غربت اسلام گشوده گشت و عطر و شمیم فتح و ظفر را به ارمغان آورد، بعد از غربت دوباره اسلام یک بار دیگر باز شود و این بار دیگر پیچیده نخواهد شد و این یگانگی پرچم در ابتداء و انتهاء در بدو طلوع نور و پس از زمان ظهور، نشانه ای بزرگ برای اهل ایمان است که این حکومت، همان شجره طیبه ای است که ریشه آن با خون شهدای بدر آبیاری شد و اکنون شکوفا گشته و به ثمر رسیده است. و این باغبان؛ یادگار همان پیشوای با فرّ و جاه اسلام حضرت رسول اکرم محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است.

سلام خدا و ملائکه و مردمان بر اولین و آخرین این خاندان.

۱- رایة رسول الله صلی الله علیه و آله نزل بها جبرئیل یوم بدر سیر به... نشرها رسول الله یوم بدر ثم لفها و دفعها إلى علی علیه السلام فلم تنزل عند علی علیه السلام.... و هی عندنا هنا. لا ینشرها أحد حتی یقوم القائم علیه السلام، فاذا قام نشرها.... و ینسیر الرعب قدّامها شهراً و ورائها شهراً و عن یمینها شهراً، بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۶۰.

إِنَّ رَبَّهُ اخْتَارَ لَهُ السَّحَابَا يَرْكَبُهُ فَيَصْعَدُ السَّمَاءَ

«۲۱»

سفر بر پشت ابر!

حضرت امام محمد باقر علیه السلام:

«أَمَّا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ.» (۱)

«او به زودی بر پشت ابر سوار شود»

همه چیز و همه کس باید دست در دست هم دهند، و در خدمت او در آیند، تا وعده الهی تحقق یابد.

ابره‌ای پر رعد و برق و سخت و صعب و سنگین در زیر پای سلطان عصر علیه السلام نرم و راهوار شوند به گونه‌ای که بر بساط ابرها نشیند و در عالم سیر کند.

آری ابرهائی که از بلند پروازی، خود را تا سینه افق بالا کشیده‌اند و از سختی غرش رعد و تیزی برق جهنده و گیرنده خویش، دل‌ها را ذلیل و هراسان خویش می‌کنند، چون نوبت به آن عزیز مقتدر می‌رسد سر تسلیم به زیر پایش فرود آورند و مرکب رام و راهوارش گردند و به هر کجا که اراده فرماید سیرش دهند.

اگر چه برای ذوالقرنین نیز ابرها مسخر شدند، اما ابرهای لطیف و نرم

و آرام و بدون رعد و برق و اگر می خواست بر پشت ابرهای صعب و سخت و سنگین نشیند، برایش میسر نمی شد، زیرا که آنها فقط ذلیل زیر پای همای عزیز زهرایند و بس. (۱)

۱- امام صادق علیه السلام: «ان الله خیر ذا القرنین السحابین الذلول و الصعب، فاختار الذلول و هو ما لیس منه برق و لا رعد و لو اختار الصعب لم یکن له ذلك، لأن الله اذخره للقائم علیه السلام»
بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱ حدیث ۲۸.

عند ظهوره نداء يرفع
 فى الناس و الأذان كل يسمع

«۲۲»

فریاد آسمانی

حضرت امام رضا علیه السلام:

« هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ، يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ
 الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ. »^(۱)

« او کسی است که منادی از آسمان نام او را فریاد می‌کند، و به

سوی او می‌خواند که همه اهل زمین می‌شنوند. »

چون راه طولانی غیبت به انتها برسد و روزگار نشستن پایان پذیرد و پرده‌های حجاب، دامن از چشم خلق برچیند و هنگام ظهور و تجلی نور فرارسد، از فراز گنبد گردون و از میان آسمان نیلگون صدای دلربای امین وحی و سید اهل آسمان‌ها حضرت جبرئیل علیه السلام در مشرق و مغرب عالم طنین انداز شود و عالمیان را بر سر سفره بیعت الهی صلازند.^(۲)

و نام بلند آن حجت الهی و خلیفه حضرت رسالت پناهی را با نام نامی پدر مطهرشان بر عالمیان گوشزد نماید، انشاء الله.^(۳)

و این است دعوت او: ای منتظران بپا خیزید که آن ذخیره الهی قیام

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۲ حدیث ۲۹. ۲- بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۹۰ حدیث ۳۲.

۳- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۸.

کرده، به سوی او آید که اینک وقت قیام است و پایان انتظار.
 ای دلسوختگان! زمان خونخواهی حسین علیه السلام فرا رسیده. (۱)
 و ای اهل ایمان وعده الهی تحقق یافته. (۲)
 و هر قومی به زیان خویش ندا را متوجه شود، تا حجت بر همه تمام
 گردد و هیچ کس را عذر و بهانه‌ای نباشد.
 زیرا اوست که تمام ادیان را محو و نابود می‌کند، و دین خدا را بر همه
 عالم غالب می‌کند. (۳)
 و این ندا را رمزی دیگر نیز می‌باشد، که علامت حتمی ظهور باشد،
 امام صادق علیه السلام فرمودند: «علامت را بشناس» (۴) تا به گمراهی نیفتی و
 در ضلالت قدم ننهی، دزدان راه و مدعیان دروغین نتوانند تو را به سوی
 خویش دعوت کنند، و این نشانی روشن برای حقیقت است.
 و این ندا؛ ندای فجر صادق است که در صبح صادق دمیده خواهد
 شد، و در آخر روز، شیطان آخرین تلاش خویش را برای گمراهی خلق
 می‌نماید، و مردم را به کفر و شرک می‌خواند. (۵)
﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (۶)

-
- ۱- «ثم يخرج المنتصر و يطلب بدم الحسين و دمه أصحابه.» بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۴۵ حدیث ۲.
 - ۲- «وَعَدَا اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» سورة نور آیه: ۵۵
 - ۳- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...» سورة توبه، آیه: ۳۳.
 - ۴- «اعرف العلامة.»
 - ۵- «ثم ينادى ابليس في آخر النهار من الأرض: ألا إن الحق مع عثمان وشيعته» ارشاد مفید: باب ۴۰ ح ۳.
 - ۶- یعنی: بدرستی که شیطان دشمن آشکاری برای انسان است. سورة يوسف: ۵.

أَنْ يَهْلِكَ الشَّيْطَانُ فِي الْمَقَاتِلَةِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ قَاتِلَهُ

«۲۳»

ابلیس در کام مرگ

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«فَيُلْحَقُهُ النَّبِيُّ ﷺ فَيَطْعَنُهُ طَعْنَةً بَيْنَ كَتْفَيْهِ، فَيَكُونُ هَلَاكُهُ وَهَلَاكُ جَمِيعِ أَشْيَاعِهِ.»^(۱)

« پیامبر صلی الله علیه و آله به او می‌رسد و نیزه‌ای در میان دو کتف او

می‌زند. در این هنگام او و همه یاران او هلاک می‌شوند.»

از آیات کتاب خدا و روایات ائمه هدی چنین به دست می‌آید که ابلیس لعین قبل از بروز عصیان و کفرش و پیش از رانده شدن از درگاه الهی از عابدین زاهد و ناسکین متعجب می‌نموده و در عبادت حضرت حق مؤمن سعی بلیغ داشته و عبادات طاقت فرسا به جا آورده.

اما وقتی به موج دریای امتحان، محک خورد و به طوفان آزمایش، مبتلا شد نخوت و تکبرش مانند آتش زیر خاکستر، بروز کرد و کفر و عصیانش را بیرون ریخت و خرمن ایمانش به شرار تکبر بسوخت، و از درگاه حضرت قهار برای همیشه روزگار، رانده گشت، و چون خوب می‌دانست که حکمت و عدالت حضرت ربّ، چنین اقتضا می‌کند که عمل

هیچ عاملی را بی پاداش نگذارد، از درگاه ربوبی طلب نمود:

«اکنون که مرا از درگاه خویش راندی به جای آن همه عبادت که بجای آورده‌ام، مرا تا روز قیامت زنده نگه دار و از رویارویی با هیولای مرگ معاف دار.»

تقاضایش به درگاه ربوبی پذیرفته شد، اما نه تا روز قیامت بلکه جواب چنین آمد:

﴿فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^(۱)

«تو را تا روز وقت معلوم مهلت دادیم»

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که قرین قرآن و ترجمان کتاب رحمانند، آن روزِ وقتِ معلوم را چنین تفسیر کرده‌اند که آن روز؛ روز قیام قائم آل محمد علیهم السلام است. هنگامی که آن حضرت بر انگیخته شوند و در مسجد کوفه استقرار یابند ابلیس پیش آید و بر زانو در افتد و فریاد برکشد: «واویلا از این روز»

پس آن عزیز مقتدر، جلوی پیشانیش را گرفته و گردنش را می‌زنند.^(۲) البته در برخی از روایات هم آمده که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله که برای یاری فرزند دلبنده‌شان به عالم دنیا بازگشته‌اند، ضربه‌ای سهمگین به میان دو شانه شیطان زنند که کشتی شکسته وجود او و پیروانش را در گرداب نیستی محو و نابود گرداند.^(۳)

۱- سوره حجر: ۳۷ و ۳۸ و سوره ص: ۸۰ و ۸۱

۲- «الوقت المعلوم يوم قیام القائم، فاذا بعثه الله فی المسجد الکوفة و جاء ابلیس حتی یجثو علی ركبته فیقول: یا ویلاه من هذا الیوم فیأخذ بناصيته فیضرب عنقه، فذلک «يوم الوقت المعلوم» منتهی أجله» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۶. ۳- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۴۳ حدیث ۱۲.

آری عزیز رسول خدا صلی الله علیه و آله نور محض است و محض نور و شیطان، محض ظلمت است و ظلمت محض، و چون زمین به نور پروردگارش روشن گردد^(۱) جای جولان برای ظلمت نیست. آن سرور، پاکی و طهارت مطلق است و مأمور به تطهیر و پاکسازی عالم، و اوست وعده ضمانت شده خداوندگار عالم که فرمود:

«روز معلوم روزی است که حکم کرده‌ام و حتمی نموده‌ام که در

آن روز، زمین را از کفر و شرک و معاصی پاک سازم...»^(۲)

۱- «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» سورة زمر: ۶۹

۲- «الوقت المعلوم فانه يوم قضيت و حتمت أن اطهر الارض ذلك اليوم من الكفر و الشرك و المعاصی.» بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۴۸

بیمنه الارض اذاً قد تزهر کنوزها لأجله لتظهر

«۲۴»

پیدایش گنج‌های پنهان

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام:

« وَ يَظْهَرُ لَهُ كُنُوزُ الْأَرْضِ. »^(۱)

« برای او گنج‌های زمین هویدا خواهد شد. »

خداوند متعال در عمق زمین و ژرفای این کرهٔ خاکی گنج‌هایی دارد که برای هیچ کس ظاهر و بارز نشده است، بله گوشه‌ای از آن را خداوند در دست قارون زمان حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام قرار داد تا او را امتحان کند، گنج‌های انبوهی که برق آن چشم اهل دنیا را خیره سازد، قرآن کریم می‌فرماید:

« آن قدر از گنج‌ها به او داده بودیم که حمل کلیدهایش برای

گروهی از مردمان تنومند مشکل بود. »^(۲)

و این فقط کلید گنج‌های قارون بود. اما همهٔ زینت و ثروت و گنج‌های او به خاطر طغیان و عصیان و سرکشی او به زیر زمین رفت. اما تمام آن گنج‌های ظاهر نشده و این خزائن باز فرو رفته و همهٔ

۱- بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۶۴ و ۱۵۰.

۲- «و آتیناه من الكنوز ما إن مفاتحه لتنوا بالعصبة أولى القوة» سورة قصص: ۷۶.

معادن، در آن روز خجسته ظهور که زمین سفره دلش را برای آن امام کریم باز می کند، بیرون خواهد آمد و همه اموال دنیا نزد آن پادشاه بخشش و جود، جمع خواهد شد.

پس با ندای دلربای ملکوتی اش مردم را خطاب فرماید:

« بیاید این چیزهایی است که بخاطر آن قطع رحم ها کرده،

و خون های محرم را می ریختید، و مرتکب محرمات

الهی می شدید.»^(۱)

پس آن قدر از آن اموال به آن ها عطا می فرماید که هیچ کس پیش از

آن حضرت این قدر سفره بذل و بخشش و کرم نگشوده و عطایش این

مقدار نبوده.

و چنان به تساوی تقسیم نماید که محتاجان بی نیاز گردند، و کسی به

دیگری برتری مالی نداشته باشد.^(۲)

۱- «و یجمع إليه اموال الدنيا من بطن الأرض و ظهرها فيقول للناس: تعالوا إلى ما قطعتم فيه

الأرحام..... فيعطى شيئاً لم يعطه احد كان قبله.» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۱ حدیث ۱۰۳.

۲- «فيتواسون و يقتسمون بالسوية فيستغنى الفقير ولا يعلو بعضهم بعضاً.» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۵،

حدیث ۱۹۵.

یصافح الجبریل بالمبایعة یخاطب الاملاک بالمعاينة

«۲۵»

یاران ملکوتی و بیعت سید آسمانیان

حضرت امام محمد باقر علیه السلام:

«أَوَّلُ خَلْقِ اللَّهِ يُبَايِعُهُ، جِبْرَائِيلُ»^(۱)

«اولین آفریده خداوند که با او بیعت نماید جبرئیل است.»

بالاخره خواهد آمد! و چه زیبا و تماشایی است! روز ظهور را می‌گوییم! آن گاه که دست دعای مضطرّ حقیقی در صبحگاه آن به حلقه استجابت گره می‌خورد، سپس آمدنش را به همه جهانیان اعلام می‌دارد. و این بار افلاکیان بر خاکیان پیشگام و پیشقدم می‌گردند، و سرور آسمان نشینان حضرت جبرئیل امین علیه السلام اولین کسی است که دست بیعت به دستان پیشوای حق پرستان می‌دهد و در صورت پرنده‌ای سفید به محضر آن حضرت شرفیاب شده، و با او عهد یاری و پیمان وفاداری می‌بندد.^(۲)

و چنین خواهد بود که بسیاری از لشگریان و سربازان و ملتزمین رکاب

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۱ حدیث ۹۱.

۲- «جبرئیل علی المیزاب فی صورة طیر أبيض، فیکون اول خلق یبایعه.» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۹ حدیث ۱۵۶.

ظفر انتساب فرزند شاه ولایت از ملائکه الهی خواهند بود، و بدین وسیله خداوند متعال، جگر گوشه زهرا علیها السلام را به وسیله جمعی از ساکنان آسمان یاری می نماید. ^(۱)

در روز عاشورا گروه زیادی از همین عرش نشینان برای یاری غریب فاطمه حضرت مظلوم کربلا علیه السلام از عرش تا زمین فرود آمدند، اما وقتی رسیدند که کشتی نجات به دریای خون نشسته بود و دل های اهل بیت علیهم السلام شکسته بود، پس همان جا نزد قبر مطهر، گرد آلود و پریشان مانده اند و بی صبرانه انتظار قیام قائم آل محمد علیهم السلام را می کشند، تا به یاریش بشتابند، و دست انتقام بر آرند و گلوی قاتلین حضرت سید الشهداء را به قدرت بفشارند و دمار از روزگار نگون سارشان بدر آرند، ^(۲) انشاء الله.

۱- «یؤید بنصر الله وینصر بملائکه الله». بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۹ حدیث ۱۸۷.

۲- بحار الانوار: ج ۱۰۱ ص ۱۰۳ حدیث ۳، القطره ج ۱ ص ۴۸۸ حدیث ۸۶

فِي كَثْرَةِ الْآلَاءِ وَالنِّعَمَاءِ تَظْهَرُ فِي الْأَرْضِ مِنَ السَّمَاءِ

«۲۶»

برکات زمین، قطرات آسمان

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

«تُعْطَى السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ الشَّجَرُ ثَمَرَهَا وَ الْأَرْضُ نَبَاتِهَا.»^(۱)

« (در آن روز) آسمان قطرات خویش را بذل نماید و درختان

ثمرات خویش و زمین گیاهانش را.»

قرآن کریم همیشه مردمان را به میهمانی تقوی و پرهیزکاری دعوت

فرموده و وعده‌های شیرین برای اهل آن مژده داده است:

﴿ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ

السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ﴾^(۲)

«اگر اهل شهرها و بلاد ایمان آورده و تقوی را پیشه خود

می‌ساختند درهای برکات خود را از آسمان و زمین بر

آنها می‌گشودیم.»

از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مخصوصاً بعد از آن حضرت، اکثر

مردم جامعه تقوی از تن بیرون کردند و از اطاعت امام متقین حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام سرباز زدند، که حضرت امیر

علیه السلام فرمودند:

« اگر مردم همه اطاعت مرا می نمودند، از بالا و پایین نعمت ها بر

آنان فرو می ریخت.»

و دیگر اجتماع امت اسلام متفرق شد و برکات زمین و آسمان نیز به قوتی اندک مبدل گردید.

اما چون ایام سراسر نور و سرور ظهور جایگزین شب های ظلمت و غرور غیبت گردد، و آن سرور افتخار آفرین اهل ایمان از دیای ملتهب و طوفانی غیبت پای به ساحل امن ظهور گذارد، دامن خاک تمام برکات خویش را فرش قدوم پاکش نماید و آسمان درهای رحمت خویش بگشاید، و خاک راهش را آب پاشی کند.

و چهره خاکی و غبار آلود زمین به باران رحمت شسته شود و به زینت گل ها و چمن ها و درختان و سبزه زاران آرایش گیرد و زمین خاکی به چیز دیگر تبدیل شود.^(۱)

﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ﴾^(۲)

۱ - امام صادق علیه السلام: «يسوق الله برکات السماوات و الأرض، فتزل السماء قطرها، و يخرج الأرض بذرها و تأمن و حوشها و سباعها.» بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۶.

۲ - سورة ابراهيم: ۴۸.

فِي عَهْدِهِ لِيُظْهِرَ الْأَمَانَ فَلَا يَخَافُ الْجُورَ وَالْعِدَاوَانَ

«۲۷»

دوران امن و امان

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

« وَآمَنْتَ بِهِ السَّبِيلُ. »^(۱)

« و راهها به وسیله او امن شوند. »

چه زیبا بهاری است و خوش روزگاری که بشر به خواب شیرینی ندیده و کام روزگار هرگز چنین شیرینی نچشیده که فرش امانت و امنیت بر سراسر زمین گسترده شود، بطوری که تمام راهها امن گردد، و دیو هولناک هراس و ترس گریزان شود و غبار ضرر از رخ هر چیز و هر کس برخیزد و حتی موش کیسته‌ای را به دندان نجود.^(۲)

جانوران و حشرات در میان مردم تردد کنند و آسیبی نرسانند و زهرها و سموم گزندگان بر طرف گردد و زنگار کینه و نگرانی از صفحه دل‌های بندگان پاک شود. گرگ، چوپان امین گله گوسفندان شود و مرغان هوایی در پنجه عقاب آشیان امن بسازند، و بزرگ به کوچک ترحم کند و

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۸ حدیث ۸۳ القطره ج ۱ ص ۴۶۳.

۲- «حتی تأمن الشاة من الذئب، و البقر من الغنم، و الانسان من الحیة حتی لا تقرض الفارة جراباً.»
بشارة الاسلام ص ۲۷۹، روزگار رهائی ص ۶۱۹.

کوچک به بزرگ احترام گذارد. ^(۱)

به چنگ باز مرغان هوایی آشیان سازند

به خیل گوسفندان گرگ، حافظ چون شبانان شد

که زنی ضعیف ما بین مشرق و مغرب رفت و آمد نماید و احتیاجی به

مراقب نداشته باشد و کسی مزاحم او نشود، ^(۲) و غول بدی‌ها جای خویش

به فرشته نیکویی بسپارد و خویش، رخت بریندد و برود، که خوب؛ خوب

است، و خوب است که خوب بماند، و بد؛ بد است، و بد است که بد بماند.

﴿ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾ ^(۳)

و چه زیبا گفته‌اند که:

ظهور زیباست، چون ظهور زیبایی هاست.

۱- القی فی تلك الزمان الأمانة علی الأرض فلا یضرّ شیء شیئاً، و لا یخاف شیء من شیء، ثم تكون الهوام والمواشی بین الناس، فلا یؤذی بعضهم بعضاً، وأنزع حمة کلّ ذی حمة من الهوام و غیرها و اذهب سمّ کلّ ما یلدغ.... و القی الرأفة و الرحمة بینهم، فیتواسون و یقتسمون بالسوية فیستغنی الفقیر و لا یعلو بعضهم بعضاً و یرحم الکبیر الصغیر و یوقر الصغیر الکبیر.

بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۴ حدیث ۱۹۴.

۲- «حتی یخرج المعجوز الضعیفة من المشرق ترید المغرب فلا ینهاها أحد.» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۵، بشارة الاسلام ص ۲۳۰.

۳- یعنی: حق آمد و باطل نابود شد یقیناً باطل نابود شدنی است. سوره اسراء: ۸۱.

وَضَعَ الْيَدَ الطَّيِّبَةَ الْمُبَارَكَةَ بِرَأْسِهِمْ تَبِينَ مِنْهَا الْبَرَكَاتُ

«۲۸»

دست نازنین بر سر مؤمنین

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

«وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ...»^(۱)

« و دست بر سر بندگان نهد، پس مؤمنی باقی نماند مگر آن که

قلبش محکم‌تر از پاره آهن شود... »

این دست رسول الله صلی الله علیه و آله است، دست امیرالمؤمنین علیه السلام

است، دست خداست، ید الله است و هر کجا که دست خدا باشد، حاصلی جز خیر و برکت و کمال ندارد.

هنگامی که آن دست حق پرست بر سر بندگان مؤمن خدا کشیده

شود درخت عقل در وجودشان به حد کمال رسد و پرندۀ روحشان بر فراز

افق عدالت و اعتدال پر کشد و صفحه قلبشان به آهن ایمان، استحکام و

صلابت یابد، بلکه از پاره‌های آهن سخت‌تر و مستحکم‌تر گردد.

و به برکت آن دست پر قدرت خدائی هر مؤمن توان چهل مرد در

خویش بیابد.

و همین هایند رکن شدیدی که حضرت لوط علیه السلام و علی علیه السلام و آله علیهم السلام و علیه علیه السلام و قتی

از ستم قوم خویش به تنگ آمد آرزویش نمود. (۱)

۱- امام صادق: «ما كان يقول لوط عليه السلام ﴿لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوَى إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾ إِلَّا تَمَنَّى لِقُوَّةِ الْقَائِمِ عليه السلام، وَلَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَإِنَّ قَلْبَهُ لِأَشَدَّ مِنْ زَبْرِ الْحَدِيدِ، وَلَوْ مَرَّوَا بِالْجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا، لَا يَكْفُونَ سَبُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۲۷ حدیث ۴۴.

و إِنَّمَا الْعِلْمُ لِكُلِّ لَتَّسِعٍ فكل مؤمن بحظّه نفع

«۲۹»

گسترش و توسعه علم

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

« عَلَيْهِمْ سُيُوفٌ مَكْتُوبٌ عَلَيْهَا أَلْفُ كَلِمَةٍ، كُلُّ كَلِمَةٍ مِفْتَاحُ
أَلْفِ كَلِمَةٍ. »^(۱)

« شمشیرهایی هم راه دارند که بر هریک از آن هزار کلمه (از
اسرار علوم) نوشته شده که هر کلمه‌ای کلید (رمز) هزار
کلمه است. »

هر روز و هر ساعت، تکنیک و صنعت بشری روبه رشد و فزونی
است و هر ثانیه بر صفحات بیشمار کتاب علم، صفحه‌ای افزوده می‌گردد.
و دنیای دانش و صنعت، مست باده غرور که توانسته است به سرّی از
اسرار شگفت نظام آفرینش دست یابد.

و زمانی از دنیای بی‌هوشی و مستی غرور خویش بیرون می‌آید که
خویشتن را در سرزمین قسط و عدل نهایی و در روزگار شیرین‌رهایی
بیند، و موسم ظهور را دریابد، آن‌گاه به چشم باز و بصیر خواهد دید که

آن چه رامست آن بوده فقط و فقط قطره های است در برابر اقیانوس بیکران علوم و معارف.

﴿ لَقَدْ كُنْتُ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاؤَكَ فَبَصَرُكَ
الْيَوْمَ حَدِيدٌ ﴾^(۱)

آری چون آن مخزن سرّ الهی و جایگاه علوم بی منتهای ربّانی دست بر سینه و پشت بندگان بکشد، دیگر هیچ حکمی بر آنان سخت و مشکل نخواهد بود،^(۲) و چون هر کدام از مردان حکومت او در اقطار عالم در مسئله ای در مانند، بر کف خویش می نگرند و وظیفه خویش را بر روی آن نوشته می یابند و به آن چه مأمورند عمل می نمایند.^(۳)

بر هر یک از شمشیرهایی که حمایل دارند هزار کلمه از درهای علم نگاشته شده که هر کلمه کلید هزار در از کمالات علوم است و معارف. چنان سفره دل هاشان از مائده حکمت الهی پر گردد که حتی زنی در خانه خویش بر طبق کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله حکم نماید.^(۴)

وقتی سپاهیان در مسیر قسطنطنیه به خلیج و دریا برخورد کنند، بر

۱- یعنی: (به او خطاب شود) تو از این صحنه غافل بودی و ما پرده از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت کاملاً تیز بین است. سوره ق: ۲۲.

۲- «بمسح الله بطونهم و ظهورهم فلا یشکل علیهم حکم». بشارة الاسلام ص ۳۱۱ منتخب الاثر ۴۸۵.

۳- «إذا قام القائم بعث فی أقالیم الارض، فی کلّ اقلیم رجلاً، یقول: عهدک فی کفک، فإذا ورد علیک امر لا تفهمه، ولا تعرف القضاء فیها، فانظر إلى کفک و اعمل بما فیها».

غیبت نعمانی ۳۱۹، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۵.

۴- «توتون الحکمة فی زمانه حتی إنّ المرأة لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله».

غیبت نعمانی ص ۲۳۹.

پاهای خویش چیزی بنویسند و بر روی آب راه بروند که رومیان از تماشای این صحنه حیرت‌انگیز، انگشت تعجب به دهان گرفته و گویند: «اگر اینان که یاران و هم‌راهان اویند، این گونه‌اند، پس خود او چگونه خواهد بود.»^(۱)

چنان علم و دانش و آگاهی در میان مردم نشر یابد که دیگر هیچ‌کسی محتاج به سؤال از دیگری نباشد و این است تفسیر آیه شریفه:^(۲)

﴿ يُغْنِي اللَّهُ كُلًّا مِنْ سِعَتِهِ ﴾^(۳)

۱- «و يبعث جنداً إلى القسطنطينيه، فإذا ابلغوا الخليج كتبوا على أقدامهم شيئاً و مشوا على الماء، فإذا نظر اليهم الروم يمشون على الماء، قالوا: هولاء اصحابه يمشون على الماء فكيف هو؟»
غیبت نعمانی ص ۳۱۹

۲- منتهی الآمال ج ۲ فصل دوم در جمله‌ای از خصایص حضرت صاحب الزمان، خصیصه ۲۴.

۳- یعنی: خداوند هر کدام را از فضل و کرم خود بی‌نیاز می‌کند. سوره نساء: ۱۳۰.

أَنْ تَظْهَرَ الْقُوَّةَ فِي الْأَذَانِ حَتَّى يَصِيرَ الْبُعْدُ كَالْعَيَانِ

« ۳۰ »

قوت گوش‌ها، قدرت چشمان

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

« إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ. »^(۱)

« هنگامی که قائم ما قیام نماید، خداوند در قوت و قدرت چشم

و گوش شیعیان ما می‌افزاید. »

این نیز از جمله ارمغان‌های نسیم صبح پیروزی است. بادهای لطیف رحمت بر پرده‌های حجاب آویخته بر چشم و گوششان می‌خورد و آن پرده‌ها را از منظر دید و حیطة گوششان کنار می‌زند، بطوری که مؤمن از شرق عالم برادر مؤمن خویش را در غرب نظاره می‌کند، و او نیز از غرب، شرق را بالعیان می‌بیند.^(۲)

قدرت سمعی و بصری آنان چنان امتداد یابد که از هر کجای عالم که باشند صدای مقتدای اهل ایمان را از همان جایی که هست بشنوند،^(۳) و

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۶.

۲- « إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ » بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۹۱.

۳- « إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ، مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ، حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ، وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ. » منتخب الأثر ص ۴۸۳.

تماشاگر چهره زیبا و ملکوتی اش باشند. و این امری نیست که باور نتوان کرد، چرا که نظائر آن در قرآن کریم آمده است:

جناب آصف بن برخیا وزیر حضرت سلیمان علیه السلام و آله و علیه السلام، تخت بلقیس را به چشم برهم زدنی از مسافتی بسیار طولانی در نزد آن حضرت حاضر کرد^(۱)، که به نقل روایات زمین پهلو خالی نمود تا سرزمین سبا و به ملک حضرت سلیمان در کنار هم قرار گرفت، و تخت به چشم برهم زدنی حاضر گردید^(۲)، و هم چنین خداوند متعال به حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام ملکوت آسمان‌ها و زمین را یکباره نشان داد، پس اگر سلیمان ملک وجود حضرت مهدی علیه السلام با اصحاب خویش این گونه باشند، امری عجیب نیست.

۱- سوره نمل: ۴۰.

۲- تفسیر المیزان ج ۱۵ ص ۳۷۰ ذیل آیه ۴۰ سوره نمل.

أصحابه أعمارهم لتُستمر حتى يروا أبناءهم ألف نفر

«۳۱»

عمرهای طویل

حضرت امام محمد باقر علیه السلام:

«يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مَلِكِهِ حَتَّى يُوَلَّدَ لَهُ أَلْفٌ ذَكَرٍ»^(۱)

« به مردان ملک او عمرهای طولانی داده شود، تا این که مرد

هزار پسر برایش متولد شود.»

بشر همواره می‌کوشیده و شربت تلخ رنج می‌نوشیده و لباس کاوش و جستجو بر تن می‌پوشیده تا شاید بتواند در معدن هستی گوهر بقاء را بیابد و ساعتی بر عمر خویش بیافزاید، و در پناه این ساعت دمی بیاساید. اما هرگز به کلید این گنج طلائی دست نیافت، و پای فتح او به قلعه بلند این راز نرسید.

ولی عصر ظهور دوران تحقق آرمان‌های دیرین و شیرین بشری است، چیزهایی را که قرن‌ها به دنبالش شتابان دویده و بسا در طلب او کارش به وادی حسرت کشیده و ناامید در بستر مرگ آرمیده و نشانی از آن ندیده، اکنون در پیش پای خویش افتاده می‌بیند.

آری مردان شیعه در زیر پرچم حکومت پیشوایشان به قدری عمر

کنند که از نسل خویش هزار مرد بینند و از شاخه تماشای اولادشان میوه‌های لذت بچینند، و هرچه قد آنها رشد کند، لباسها نیز با آنها رشد می‌کند، و هرگز رنگ آلودگی و کثافت بر لباسشان ننشیند، و دائما پاکیزه و پاک باشد، و هرگاه اراده کنند لباسشان به هر شکل و رنگی که بخواهند در آید. (۱)

خدایا کی شود که عمر گران غیبت سر آید، و آن محبوب دل‌ها از در در آید.

و الناس إذ طلعت يرونا بنوره عن نورها يغنوننا

«۳۲»

آفتاب سایه نشین

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«إِسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ»^(۱)

«بندگان خدا دیگر از نور خورشید بی نیاز می‌گردند.»

منظومه شمسی را کره‌ای نوری و آتشین است که خورشیدش نامند. آن قدر شدت نور آن زیاد است که چشم بشری را یارای رویارویی با شعاع درخشنده نورش نیست.

و این ستاره عظیم نقش حیاتی و عظیمی در حیات انسان و همه موجودات زنده دارد، بطوری که اگر روزی این چراغ زرد آسمان سبز خاموش گردد، فانوس عمر همه جانداران در کام گرداب نیستی خاموش می‌شود، و اثر به سزای این موجود عجیب الهی، در این دنیا بر کسی پوشیده نیست.

اما روزی که آن را روز ظهور گویند، این چراغ نیز خود سایه نشین آفتابی بزرگ خواهد شد.

آن گاه دیگر زمان ظلمت غیبت نیست، زمان ظهور نور است، دیگر

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۰ حدیث ۵۲.

ابره‌های غیبت کنار کشیده و هنگام تجلی روشنائی رسیده، هنگامه رقص نور است نه جولان ظلمت، چنان زمین به درخشندگی و تابش خیره‌کننده نور پروردگارش روشن شود^(۱) که دیگر خورشید بسان شمعی است که در تاریکی‌ها بودی داشت و وجودی.

و اکنون که صبح روشن و صادق دمیده، دیگر نیازی به سوسوی شمع خورشید نیست، و مردم که با نور آن حقیقت نور در راز و نیازند از نور خورشید، بی‌نیازند.

﴿أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^(۲)

۱- و تشرق الارض بنور ربها بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۱ و ۱۴۶.

۲- سورة زمر: ۶۹.

و إِنَّ رُوحَ اللَّهِ لَأُنزِلُ بِقَائِمٍ يَصِفُ فِي الْقِيَامِ

«۳۳»

فرود عیسی برای پرواز

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«فَيُنزِلُ رُوحُ اللَّهِ، عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عليها السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ.»^(۱)

«پس روح الله عیسی پسر مریم فرود آید و پشت سر آن حضرت نماز گذارد.»

حضرت عیسی بن مریم صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر عظیم الشأن و بزرگواری است که در قرآن به «کلمة الله» و «روح الله»^(۲) توصیف شده است. و از عجائب و معجزات آن مرد الهی این که خداوند او را از دامن پاک حضرت مریم عذراء بدون شوی، متولد ساخت^(۳) و در گهواره به تکلم در آورد و در کودکی حکم نبوت به او عنایت فرمود^(۴) و قدرت خیره کننده زنده کردن مردگان را به او عطا فرمود.^(۵)

و چون ظالمان و طاغیان زمان آن حضرت اراده کردند وجود مقدس مطهر او را از زمین بردارند و به صلیب بیاویزند، خداوند او را از دامن خاک به سوی افلاک سیر داد، و در منازل آسمانی سکناش داد^(۶) و تا کنون حضرتش

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۱ حدیث ۱۲. ۲- سوره نساء: ۱۷۱.
 ۳- سوره مریم: ۲۰ و ۲۱. ۴- سوره مریم ۲۸ تا ۳۰.
 ۵- سوره آل عمران: ۴۹. ۶- سوره نساء: ۱۵۷ و ۱۵۸.

زنده‌اند، و همنشین آسمانیان و ملکوتیان‌اند، و در صف منتظران قدوم مبارک حضرت بقیة الله الاعظم روحی و لاجنا فداء چشم به راه دوخته.

پس زمانی که آن حجّت غائب از نظر هویدا شوند، و حکومت عدل و داد برپا نمایند، گل مریم از آسمان فرود آید و در صف مأمومین، به گل زیبای نرجس علیهما السلام اقتدا نماید، و از جمله سرداران و حکام زمان آن حضرت باشد و در کشتن دجال لعین، آن سرور را یاری و یاری نماید.

لشأ الله تعالی. (۱)

و او برهان ذخیره خداوند است بر حقانیت دین مبین اسلام و دلیلی متقن بر صدق دعوی ختم وصایت حضرت ولی عصر علیه السلام.

چون مسیحیان ببینند که حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام در رکاب آن حضرت است و آن بزرگوار را مقتدای خویش قرار داده، به پیامبر خویش تأسی کرده، به آن حضرت ایمان آورند. (۲)

ناگفته پیداست و بی شبهه هویدا است، نماز خواندن پیامبری اولولعزم و صاحب کتاب و شریعت پشت سر امام عصر علیه السلام (۳) دلیل روشن و نشانه‌ای متقن است بر این که آن امام همام و آباء کرام او از تمام انبیاء الهی به جز جدّ اطهر شان حضرت سید انبیاء صلی الله علیه و آله افضل، برتر و بالاترند.

۱ - پیامبر اکرم: «..... و آله یخرج معه عیسی بن مریم و یساعده علی قتل الدجال بباب لُدّ، بأرض فلسطین، و آله یومّ هذه الامة و عیسی یصلی خلفه.» بحار الانوار ج ۵۱ ص ۹۳.

۲ - القطره ج ۱ ص ۴۶۴ حدیث ۲۱. حضرت عیسی در هنگام پائین آمدن از آسمان، خود متدین به دین مبین اسلام است، و روشن است که مسیحیان نیز به اسلام ایمان می‌آورند.

۳ - در روایتی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند آمده که: چون هنگام نماز واجب شود، حضرت مهدی علیه السلام رو به حضرت عیسی نموده فرمایند: پیش رو ای روح الله، یعنی امامت نماز را به عهده گیر، و او جواب عرض می‌دارد: شما اهل بیتی هستید که هیچ کس بر شما مقدم نمی‌شود. کراجکی، التفضیل: ص ۲۴، ینابیع المودة قندوزی حنفی، ص ۱۸۷.

من السحاب الأبيض النداء و الناس يسمعونه علاء

«۳۴»

ابر سفید

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ يُنَادِي:

هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ، فَاتَّبِعُوهُ.»^(۱)

« حضرت مهدی علیه السلام قیام می کند در حالی که بالای

سرش ابری است که منادی از درون آن صدا می زند: این

مهدی خلیفه خداست، از او پیروی نمایید.»

از آن جا که همه چیز و همه کس باید به درگاه این خاندان مطهر،

افتاده و به خشوع و خضوع در آیند، و در اطاعت ایشان سر بسپارند^(۲)، و

اراده حق بر این تعلق گرفته که باقی مانده^(۳) این خاندان را به جهانیان

بشناساند، تا همگی به او ایمان آورند، و عذر و بهانه ای باقی نماند.

خداوند متعال در هنگامه قیام ابر سفیدی را مأمور ساخته تا از بالای

سر او سیر کند، و در همه جا سایه بر آفتاب وجودش بیافکند، و از میان این

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۱ حدیث ۱۶.

۲- «و خضع کل جبار لفضلکم، و ذل کل شیء لکم.» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۳- ﴿بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين﴾

ابرندائی برخیزد که شعاع صوتش مشرق و مغرب، عرش و فرش و جن و انس را فراگیرد:

«این مهدی خلیفه و جانشین خداست، پیرویش نمایید، او مهدی آل محمد علیهم السلام است که فرش داد بر تمام زمین بگسترده و مائده عدالت او سفره زمین را مملو نماید.»^(۱)

۱ - «یخرج فی آخر الزمان علی رأسه غمامة من الشمس، تنادی بلسان فصیح یسمعه الثقلین و الخاقین: هو المهدی من آل محمد یملا الأرض عدلاً كما ملئت جوراً» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۸ ح ۱۸۳.

يُطْفِئُ نَارَ الْفِتْنَةِ الْمَسْتُكَرَةِ فِي عَهْدِهِ بِقَتْلِ أَسِّ الْكُفْرَةِ
وَأِنَّهُ الدَّجَالُ أَسُّ الْفِتْنَةِ عَلَيْهِ الْفِ بِلِ الْوَفِّ اللَّعْنَةِ

«۳۵»

کشتن دجال، خاموشی آتش فتنه

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله:

«إِنَّهُ لَمْ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ مِنْذُ ذَرَأَ اللَّهُ ذُرِّيَّةَ آدَمَ أَكْبَرَ
مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ.»^(۱)

«از آن روزی که خداوندگار ذریهٔ آدم را آفریده، فتنه‌ای بزرگتر
از فتنهٔ دجال پیش نیامده است.»

از زمان زندگانی مقدس رسول الله صلی الله علیه وآله، آن حضرت و پس از
آن، ائمهٔ هدی علیهم السلام یکی پس از دیگری مردم را از وقوع فتنه‌ای
بزرگ که دجالش نامند می‌ترساندند، و از افتادن در این گرداب ترس
آفرین بر حذر می‌داشتند.

اما این دجال کیست و چیست؟ و وقوع این فتنه در چه زمانی است؟ و
شگردهای او در اجرای طرح این فتنه چگونه است؟ سؤالاتی است که در
میان گلشن روایات پرچمداران هدایت علیهم السلام می‌توان نشانی از آن
جو یا شد، و جای تفصیل آن در فراخور این نوشتهٔ مختصر نیست.

آن چه در دایرهٔ اندیشه اهمیت آن بیشتر جلوه می‌کند، آن است که
این موجود خطرناک و فتنه‌بی باک، سعی بلیغ و تلاش بی دریغ خود را در

رواج بازار فحشاء، گناه، ظلم و جور مبذول می دارد، و در طوفانی کردن دریای فتنه، شرّ و آشوب همت می گمارد، و آن قدر این ماده سمّی، خطرناک و اثرش گسترده و وسیع است که سطح دریای بشریت را آلوده و مسموم می نماید و هوا و فضای جامعه را به بوی گندش متعفن و بد بو می گرداند و سبزه زار دین را به گورستانی خشک در زمستانی بسیار مرگبار مبدّل می سازد.

و اگر چه گفته اند با یک گل بهار نمی شود، اما این قاعده را مستثنائی است که چشم بشر را خیره می سازد. آری فقط گل نرجس است که با آمدنش بهاران می شود، و زمین خشکیده و مرده در سرمای فساد و معصیت، دوباره زنده می گردد، و بلبل های نغمه خوان دین دوباره در چمنزار و گل ها و بوستان و باغستان های دین به پرواز در می آیند و از نغمه های توحید و رسالت و ولایت، فضای گیتی را پر می سازند.

مدعی گوید که با یک گل نمی گردد بهار

من گلی دارم که عالم را گلستان می کند

آری از ویژگی های وارث ذوالفقار آن است که با شمشیر آتشبار حیدر کرّار شربت ناگوار مرگ را به کام آن افعی خوش خط و خال یعنی دجال می چشانند، و زمین را از لوث جور و ظلم و عصیان پاک می سازد، و این است تفسیر آیه شریفه:

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾^(۱)

« بدانید که خداوند متعال زمین را بعد از مردنش دوباره

زنده می نماید.»

البطو للأفلاك فى المسير
بأمر ربّ الملك القدير

«۳۶»

کم شدن سیر چرخ، افتادن افلاک از سرعت

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«وَالسَّنَةُ مِنْ سَنِيهِ تَكُونُ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ.»^(۱)

«و سالی از سال‌های او برابر ده سال خواهد بود از سال‌های شما.»

دوران غیبت؛ دورانی است که هوا دلگیر و ابری است و خورشید هدایت در پشت ابرها زندانی است، قناریان دین دار و هزاران شریعت مدار و چکاوکان حق گفتار و طوطیان بر شاخه دین استوار، همگی از ناله و نوا افتاده‌اند. غبار خمودی و گرفتگی بر چهره افلاک نشسته.

اما در کنج دل همه، نوری از امید سوسو می‌کند و به این امید نغمه فرج رازمزمه می‌کنند. گویا چرخ در گردش و خورشید و ماه و افلاک، در سیر خود نیز دوست دارند در دعای فرج شریک باشند. اما چگونه!؟

اگر به گردش زمانه بنگری تلاش آن‌ها را در راه تحقق فرج، خواهی یافت. ثانیه‌ها با چه سرعتی سرسام آور جای خویش به دقیقه‌ها می‌دهند و دقیقه‌ها با سرعت انتہاری در کام ساعت‌ها محو می‌شوند، و ساعت‌ها، امانت زمان را بی‌درنگ به دست روزها و شب‌ها می‌سپارند، و شب و

روز بدون دریغ و مکث، خود را به مرز ماه‌ها می‌رسانند، و ماه‌ها با سرعت بی اندازه خویش به سال‌ها تبدیل می‌شوند، و تا چشم روزگار باز شود، قرن‌ها از دوران غیبت را گذرانده‌اند و همه به شوق این که این دوران حسرت بار طی شود در تکاپو و تلاشند.

اما هنگامی که اولین خورشید صبح ظفر با لبخند طلائی اش بوسه بر سینه آسمان بزند، دیگر همه چیز از سرعت می‌افتد. آری دوران وصل رسیده و روزها دوست ندارند که از محضر یار، مرخص شوند.

لحظه‌ها و ماه‌ها و سال‌ها تمنای بیشتر در خدمتش بودن را دارند، از این جهت تمام تلاش خود به کار می‌گیرند تا به آرامی گام بردارند و از افق زندگی مقدس او و یارانش، آهسته و خرامان بگذرند، و با ناز و وقار حرکت کنند، شاید بتوانند اندکی بیشتر لذت دیدار یار را درک نمایند.

آری آن زمان، چرخ فلک از سرعت سیر می‌افتد و هر روزش به اندازه ده روز و هر ماهش به مقدار ده ماه و هر سال آن به مقدار ده سال غیبت به طول می‌انجامد.^(۱)

وه! چه آرامشی است که زمین و آسمان و سیارگان را نیز فراگرفته.

خدایا به سوخته دلان و منتظران فرجش سوگند، ما را نیز در زمره دعاگویان او و مشتاقان و خواستاران فرج حضرتش قرار بده و کام جان ما را از شیرینی و لذت مسرت بخش آن ایام سراسر سعادت، محروم مفرما. آمین.

۱- «یأمر الله تعالى الفلك بالثبوت و قلة الحركة، فتطول الأیام لذلك و السنون.»

يظهر بالجدید من کتاب فانما معناه بالصواب

«۳۷»

دینی جدید و آئینی نو پدید!

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

« إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَدْوِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ. ^(۱)»

« وقتی که (حضرت) قائم علیه السلام قیام نماید، چیز جدیدی می آورد، چنانچه در بدو اسلام رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را به سوی امر جدیدی فرامی خواندند.»

چون بزرگترین خورشید فروزان نبوت در مغرب عالم فناء افول و در مشرق عالم بقاء، طلوع نمود، و از دامن خاک به سوی افلاک و باغهای قدس جنان پرکشید، درگاه علم نبوی و مخزن اسرار و علوم محمدی یعنی عالم الشهود و الأسرار حضرت صاحب ذوالفقار، حیدر کرار امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام به جمع آوری آیات مبین قرآن و تنظیم آن همت گماردند، و شأن نزول و تفسیر حقیقی قرآن را که از دلب مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله آموخته و یا از سینه پاک نبوی به ارث برده بودند، به مردمان عرضه فرمودند، ولی آن شقاوت پیشگان و خفاش صفتان چنین جوابی دادند:

ما را به قرآنی که تو داری نیازی نیست.

پس آن حضرت آن قرآن را از دسترس خلق برچیدند و دیگر کسی آن را ندید و دست به دست خاندان عصمت و امامان بزرگوار شیعه چرخیده و هم اکنون در محضر مقدّس وارث بزرگ دین محمدی صلی الله علیه و آله می باشد. (۱)

و هم چنین بعد از شهادت حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله حضرت جبرئیل امین علیه السلام مونس و هم نشین حضرت صدیقه اطهر زهرای مرضیه علیها السلام بودند، و اخبار آینده را موبه موبه ساحت مقدّسش عرضه می داشتند، و آن بانوی شهیده املاء می فرمود و دست حق پرست شوهر مطهرشان، امیر عالم هستی، آن را می نگاشت. و کتابی بس عظیم شد که به «مصحف فاطمه» نام گرفت. و آن نیز در دست مطهر امام عصر علیه السلام می باشد.

با این دو مقدمه اکنون به پای درد دلم بنشین تا برایت بگویم:

طولانی شدن دوران غیبت از یک سو و غفلت روز افزون مردم از امام و هادی خویش، از سوی دیگر، و جولان شیاطین در تاختن اسب های نعل کرده بر سینه دین مبین از طرفی، و هزاران فتنه و آشوب و امتحان از طرف دیگر، دست به دست هم می دهند تا هر روزه سوراخی بر کف کشتی اسلام وارد شود، و تخته ای از اصول و احکامش به کام آب هوا و هوس هوسبازان سپرده شود.

۱- احتجاج: ج ۱ ص ۲۲۵، بحار الانوار ج ۹۲ ص ۴۲ حدیث ۲.

هر روزه بدعتی نو در دین گذارند و سنت پیامبر را فدای مقاصد دنیوی خویش کنند.

حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال نمایند، تا به جایی برسد که دیگر از قرآن جز خطی و ورقی نماند و از اسلام نیز جز یک اسم و نام. نامشان مسلمان است اما دورترین مردمند از اسلام، مساجدشان معمور است، اما اثری از هدایت در آن نیست، و ساختمان هدایت آن ویران است. (۱)

در این هنگامه است که صاحب مصحف فاطمی و املائی علوی و آن ترجمان حقیقی قرآن، صفحه روزگار را ورق خواهد زد و آن را بر خواهد گرداند. (۲)

احکام و سنن الهی را از نو تجدید کند، به طوری که این گونه پندارند که یک مدعی نبوت با دینی جدید به پا خاسته و آیین نو پدید را پایه گذاری می کند، و حال آن که او قدمی از مسیر آباء طاهرین خویش تخطی نمی کند (۳)، و آن چه ابلاغ می نماید، همان دین

۱- رسول الله: «سیأتي زمان على امتي لا يبقى من القرآن إلا رسمه ولا من الاسلام إلا اسمه، يسمعون به وهم أبعد الناس منه، مساجدهم عامرة وهي خراب من الهدى....»

ثواب الاعمال: ص ۲۵۳ حدیث ۴، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۰ حدیث ۲۱.

۲- «إذا قام القائم عليه السلام قرأ كتاب الله عزوجل على حذوه وأخرج المصحف الذي كتبه علي عليه السلام».

کافی ج ۲ ص ۶۳۳، روزگار رهائی ص ۶۱۸.

«يعلّم القرآن على ما انزل الله عزوجل فأصعب ما يكون على من حفظه اليوم، لأنه يخالف فيه التأليف»

بشارة الاسلام ص ۲۳۴، روزگار رهائی ص ۶۱۶.

۳- «المهدى يقفوا أثرى لا يخطى». منتخب الاثر: ص ۴۹۱.

احمدی و آیین علوی، و روش فاطمی ^(۱) صلوات الله علیهم اجمعین و مسیر سلف
 طاهرین خویش می باشد. ^(۲)

۱- حضرت مهدی علیه السلام: «إن لي في ابنة رسول الله أسوة حسنة.»

دختر گرامی رسول خدا برای من الگوی نیکوئی است.

۲- «فیأتی محمّد و علی، فیکتبان له عهداً منشوراً یقرؤه علی الناس.»

بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۶ حدیث ۷۹.

كان هو الرجعة للأئمة وإنها افضل كل نعمة

«۳۸»

رجعت، روزگار بازگشت ائمه عليهم السلام

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام:

«إِنَّ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَرْضِ كَرَّةً مَعَ الْحُسَيْنِ، إِنَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا.»^(۱)

« بدرستی که برای (امیرالمؤمنین) علی علیه السلام و فرزندشان

حسین صلوات الله علیهما بازگشتی به این زمین خواهد بود.»

اگر چه در طول تاریخ، همیشه اهل باطل بر اهل حق چیره بوده‌اند، و فریاد حق و خواهی را در کام استکبار خویش خاموش کرده‌اند، و آن روزگار سیاهی که بر سر بشریت آورده‌اند، حق تلافی آن در دنیا ادا نمی‌شود.

اما چنین نیست که همیشه دنیا هم به کام آنان بچرخد و روزگارانی خواهد رسید که بهترین خوبان عالم، دوباره به این عالم بازگردند و آن چنان که باید در دنیا حکومت شود حکم فرما می‌شوند.

چرخ گردون گر دو روزی بر مرداد ما نگشت

دائماً یکسان نماند حال دوران، غم مخور

آری ائمه ما در آن زمانه به این عالم باز خواهند گشت، و از آن

۱- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۷۴ حدیث ۷۵.

بزرگواران چنین روایت آمد:

« از ما نیست کسی که به بازگشت ما ایمان نداشته باشد.»^(۱)

آن بزرگ راستگویان و مولای موحدان، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب سلام الله علیهما به این عالم باز خواهند گشت، و برای وجود مطهرش قبه گاهی و بارگاهی مجلل در نجف پیا خواهد شد،^(۲) و حسین شهیدش علیه السلام نیز باز خواهد آمد^(۳)، و آن روز روزگاری دگر خواهد بود، و باید که از عمق جان زمزمه کبوتران منتظر را بر نهر زبان جاری کرد، و هم راه با جامعه «جامعه» خوانان چنین سرود.

« وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ اَثَارَكُمْ ... وَيُخَشِّرُ فِي زَمَرَتِكُمْ، وَيَكْرِزُ

فِي رَجْعَتِكُمْ، وَيُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ.»^(۴)

و چنین حکایت شده که صادق آل محمد علیهم السلام، زیر لب های مبارک، این شعر را ترنم می فرمود:

لكل أناسٍ دولةٌ يرقبونها وَ دَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ يَظْهَرُ^(۵)

-
- ۱- حضرت امام صادق علیه السلام: «ليس منا من لم يؤمن بكرتنا» بحار الانوار ج ۵۳ ص ۹۲ حدیث ۱۰۱.
 - ۲- «ثم يخرج الصديق الأكبر امير المؤمنين علي بن أبي طالب علیه السلام و ينصب له القبة بالنجف.» بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۶.
 - ۳- «سئل عن الرجعة أحق هي؟ قال: نعم. فقيل له من أول من يخرج؟ قال: الحسين يخرج علي أثر القائم علیه السلام.» بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰۳ حدیث ۱۳۰.
 - ۴- مفاتيح الجنان، زیارت جامعه کبيرة.
 - ۵- یعنی: هر دسته از مردم را دولتی است که انتظار آن را می کشند، و دولت ما (آل محمد علیهم السلام) در پایان روزگار ظاهر می شود. منتهی الآمال: ج ۲ فصل دوم، ذکر جمله ای از خصایص حضرت صاحب الزمان، خصیصه ۴۶.

آياته الكثيرة المعينة ظاهرة جلية مبينة

«۳۹»

نشانه‌های نور

قرآن کریم:

«سَتُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ
الْحَقُّ» (۱)

عن الصادق عليه السلام: «خُرُوجُ الْقَائِمِ هُوَ الْحَقُّ...» (۲)

«به زودی آیات و نشانه‌هایمان را در آفاق و در نفس‌هایشان به
آنان نشان می‌دهیم، تا این که برای آنان روشن گردد که آن
حق است»

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: «منظور از حق در این آیه

شریفه قیام حضرت قائم علیه السلام است.»

ابعاد وجودی حضرت بقیة الله الأعظم لرواحنا فداه دائما هدف پیکان‌های
کهنه شبهات پوسیده و بی اساس بوده.

منکرین آن وجود مسعود، همیشه در صدد دست یافتن به دست
آویزی سست و بی بنیاد بوده‌اند تا آتش کینه‌ای که در دل ناپاک خویش
دارند، به وسیله آن خنک سازند، و با زیاد شدن منکرین حضرت، بر

کثرت سپاه خویش بنازند.

اما قرآن مجید دائماً با جملات رسا و زیبا و بیانات بلیغ و شیوا، کتاب مکر آنان را ورق ورق کرده و در زیر باران شدید آیات بینات خویش به دست سیل نابودی سپرده است.

آری؛ آن‌ها که پهنای دلشان، مرداب گنبدیده‌ای از عقاید انحرافی شده، گاهی با انکار امکان طول عمر انسان و گاه با شبهه در طولانی شدن زمان غیبت، سعی در خاموش کردن نور الهی با دهان خویش دارند؛

﴿ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ ﴾^(۱)

غافل از آن که چراغ فروزان و بر افروخته شده از نور الهی خاموش شدنی نیست.

﴿ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴾^(۲)

خداوند در زمان غیبت و پیش از ظهور آن بی‌کران نور، آن قدر نشانه و علامت در وجود خود مردم و آسمان و زمین به آنان نشان دهد که مانند روز روشن بر ایشان واضح و مبین شود که آن قیام بزرگ حق است و حقیقت دارد، و آن چه به گوش شنیده بودند و به زبان، انکار می‌کردند اکنون به چشم باز می‌بینند و دیگر هنگامه انکار به پایان رسیده.

علامات قیام حضرت ولی عصر علیه السلام بر دو گونه‌اند، علامات حتمی و غیر حتمی.^(۳)

۱ و ۲ - سورة صف: ۸

۳ - علامت حتمی؛ نشانه‌هایی است که در پی آن، لزوماً ظهور واقع خواهد شد.

علامت غیر حتمی؛ نشانه‌هایی است که تحقق آنها برای ظهور الزامی نیست، ممکن است بدون این که آنها واقع شوند ظهور محقق شود، و یا آنکه واقع شوند ولی ظهور را در پی نداشته باشند.

علامات؛ آن نشانه‌هایی است که نزدیک یا مقارن ظهور حضرتش اتفاق می‌افتد، و با وقوع آنها، ظهور را در پی خواهد داشت، مانند ندای جبرئیل که مردم را برای بیعت با آن خلیفه خداوندی دعوت می‌نماید، و در پیشگاه آن حضرت فریاد می‌زند:

«الْبَيْعَةُ لِلَّهِ»^(۱)

«این بیعت از برای خداست.»

از دیگر علامات آن است که مردم چهرهٔ منور امیر دایرهٔ وجود، حضرت مولی الموحدين امیر المؤمنین علیه السلام را بر سینهٔ نیلگون آسمان مشاهده می‌کنند و صدایی می‌شنوند که ندا می‌کند: «ای مردم این امیر مؤمنان است که به عالم دنیا بازگشته است.»^(۲)

دیگر آن که خورشید رسم صبحگاهی خویش را برهم می‌زند و این بار از مغرب طلوع می‌کند.^(۳)

یا این که بر خلاف عادت فلک، خورشید در نیمهٔ ماه رمضان و ماه در آخر آن می‌گیرد.^(۴)

و دیگر علاماتی که تفصیل و شرح آنها در گنجایش این نوشتار نیست و چه کتاب‌های عریض و طویلی که در علامات ظهور به دست

گفتنی است که آنچه بداء ناپذیر است و حتمی است، اصل ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد، از امام صادق علیه السلام روایت شده که حتی در علائم حتمی هم ممکن است بداء شود، یعنی ممکن است فرج اتفاق بیفتد بدون آنکه این علائم واقع شود.

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۹۰ حدیث ۳۰. ۲- کتاب رجعت، علامه مجلسی رحمته الله علیه ص ۴۶.

۳- ارشاد شیخ مفید رحمته الله علیه ج ۲ باب ۴۰ حدیث ۳.

۴- ارشاد شیخ مفید رحمته الله علیه ج ۲ باب ۴۰ حدیث ۱۰.

علمای شیعه^(۱) و یا مخالفین نوشته شده، و هزاران علامت در آنها به ثبت رسیده است.

و بالاخره خداوند متعال با آیات بسیار، حجّت خویش را بر مردم باهر و ظاهر و به نصرت و یاری خویش او را بر جهانیان قاهر خواهد نمود.

﴿يَسْتَبِيحُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قَوْلُ آيٍ وَ رَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ﴾^(۲)

۱- مانند کتاب «نوائب الدهور فی علائم الظهور» از مرحوم میرجهانی علیه السلام.

۲- یعنی: از تو می‌پرسند آیا آن (وعدۀ الهی) حق است، بگو: آری. به پروردگارم سوگند قطعا حق

است. سوره یونس: ۵۳

و مدّة طالت من الأيام سلطنة القائم في الأنام

«۴۰»

سلطنت سلطان عصر، شهر و دیار او

حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام:

« يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ أَرْبَعِينَ عَامًا. »^(۱)

« بین مشرق تا مغرب را چهل سال مالک شود. »

آری شاخسار درخت پر بار حکومتش بر تمام گیتی سایه می افکند و پرچم عدالت او بر فراز بام دنیا به اهتزاز در می آید، و عدالت علوی اش تمام مشرق و مغرب عالم را پر خواهد ساخت، و جایی از پهنه گیتی از دائره سلطنت آن پادشاه هستی خارج نخواهد بود، و جب به وجب خاک زمین از این که در زیر پای آن حضرت و یاوران سعادت مندشان باشد، به خویش می بالد و فخر می فروشد.

مدّت حکومت آن شاهباز عدالت و حق خواهی، در اخبار و روایات مختلف و متفاوت است. در بعضی از روایات مدّت آن هفت سال از سال های آن عصر که به شمار سال های شما هفتاد سال می شود، تعبیر شده و در بعضی چهل سال^(۲) و در بعضی فرموده اند: «حکومت او تا دامنه قیام قیامت امتداد می یابد.»^(۳)

و در برخی دیگر کوتاه ترین مدّت را هفت و بالاترین را نه سال شمرده اند.

۱- منتخب الاثر ص ۴۷۸.

۲- منتخب الاثر ص ۱۴۳ و ۴۸۷.

۳- منتخب الاثر ص ۲۹۶.

اما در زمان غیبت جایگاه حضرتش برای مردمان معلوم و مشخص نیست و جز خادمین و ملازمین رکاب آن حضرت از مأوی او بی خبرند^(۱)، و در بعضی نقل ها محل سکونت یاوران و خاندان آن همای سعادت، در جزائر خضراء و جایگاه خود آن حضرت را مناطق دور از دست خلافت نام برده شد^(۲).

اما زمانی که بر سریر حکومت تکیه زند و بارگاه امامتش برپا گردد، از روایات چنین بر می آید که خانه خویش را مسجد سهله در شهر کوفه^(۳) و مقر حکومت و خلافت خود را مسجد مقدس کوفه قرار می دهد^(۴).

همان مسجدی که از آن زمان که بانک اذان امیرالمؤمنین علیه السلام به شمشیر زهر آگین کفر و الحاد در فضای آن خاموش شد، صدای ناله اش چون ستون حنانه در فراق امیر عالم از بند بند خشت ها و گل هایش به گوش جان می رسد. تا زمانی که انشاء الله دست مبارک زاده حیدر کرار در آغوشش بگیرد تا از حنین ناله خویش باز نشیند.

و از پاره ای از روایات چنان استفاده می شود که حکومت آن حضرت تا زمان رجعت ائمه هدی علیهم السلام به طول می انجامد^(۵)، و سپس دوازده پیشوای هدایت شده هدایت گر بعد از او خواهند آمد^(۶).

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ
وَ تُذِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ
وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۵ حدیث ۱۱.

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۹. «إِنَّ أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُوطِنَ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَخْفَاهَا وَ أَقْصَاهَا، اسْرَاراً لِأَمْرِي وَ تَحْصِيئاً لِمَحَلِّي مِنْ مَكَائِدِ أَهْلِ الضَّلَالِ» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴.

۳- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۱ حدیث ۵۴. ۴- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۶.

۵- منتهی الآمال: ج ۲ فصل دوم جمله ای از خصایص حضرت صاحب الزمان خصیصه ۴۶ ص ۷۷۱.

۶- «يكون بعد القائم اثني عشر مهدياً» بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۴۵.